

# مفهوم و مصداق

## درس نهم

در درس قبل و در کنار بحث لفظ و معنا، تا حدی با اصطلاحات «مفهوم» و «مصداق» آشنا شدیم. حال در اینجا قرار است به طور مشفص و مفصل درباره تقسیم‌بندی مفاهیم و ارتباطشان با مصداق صحبت کنیم.

می‌دانیم که مفاهیم همان تصورات ذهنی هستند و می‌دانیم که این مفاهیم می‌توانند دارای مصداق بیرونی و خارج از ذهن نیز باشند. حالا اگر هر مفهوم را از نظر ارتباطش با مصداق بیرونی در نظر بگیریم، می‌توانیم چند نوع تقسیم‌بندی برای مفاهیم ارائه کنیم. در ادامه با برخی از تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات مربوط به مفهوم‌ها آشنا خواهیم شد.

### مفهوم کلی

مفهوم «معلم» را در نظر بگیرید. این مفهوم می‌تواند مصداق‌های زیادی داشته باشد. احتمالاً پدر یا مادر بعضی از ما نیز مصداقی از مفهوم «معلم» هستند و معلم منطق و فلسفه ما نیز مصداقی از این مفهوم است. وقتی یک مفهوم می‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد، مفهوم کلی نامیده می‌شود. مثل مفاهیم پدر، مادر، مدرسه، کتاب، دفتر، انسان، حیوان و مانند آن‌ها. به همین دلیل می‌گوییم:

مفهوم کلی، مفهومی است که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد. خواه این مورد، از موارد واقعی خارجی باشد، خواه موردی فرضی.

به عبارت دیگر، جدا از اینکه یک مفهوم در دنیای واقعی چه تعداد مصداق و نمونه دارد، همین‌که بتوانیم برایش بیش از یک مصداق فرض کنیم، آن مفهوم کلی خواهد بود. پس این را هم به یاد داشته باشیم که:

در تشخیص مفهوم کلی به قابلیت و امکان فرض مصداق متعدد توجه می‌کنیم، نه تعداد مصداق موجود.

### مفهوم جزئی

مفهوم «سنندج» را در نظر بگیرید. می‌دانیم «سنندج شهری در غرب ایران و مرکز استان کردستان است که ...». در واقع این مفهوم یک مصداق کاملاً مشخص و معین دارد و اصلاً نمی‌تواند دو یا چند مصداق برایش تصور کرد؛ یعنی هر کاری کنیم، نمی‌توانیم تصور کنیم که شهر سنندج با ویژگی‌های خاص خودش، دو شهر باشد. حالا مفهوم «این کتاب منطقی که در دست شماست و در حال خواندنش هستید» را در نظر بگیرید. این مفهوم هم فقط و فقط می‌تواند یک مصداق داشته باشد؛ یعنی نمی‌توانید فرض کنید این کتاب که در دست شماست، مفهومی باشد که بیش از یک مصداق دارد. به مفاهیمی از این دست می‌گوییم مفهوم جزئی. درست مثل مفاهیم «علی دایی»، «فردوسی»، «استادیوم آزادی شهر تهران»، «سی‌وسه پل اصفهان»، «شیراز»، «گواتمالا»، «این کتاب»، «آن درخت» و ... بنابراین:

مفهوم جزئی، مفهومی است که مصداق آن کاملاً مشخص است و قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد.

یعنی آن مفهوم چه مصداق واقعی داشته باشد و چه نداشته باشد، نمی‌توانیم برایش بیش از یک مصداق فرض کنیم. بهترین راه تشخیص مفاهیم جزئی این است که بگوییم تمامی اسامی خاص (اعلام) و مفاهیم دارای اسم اشاره «این» یا «آن» جزئی هستند.

### توضیح تکمیلی درباره مفاهیم کلی

لزوماً همه مفاهیم کلی دارای مصداق بیرونی نیستند؛ بلکه مصداق برخی مفاهیم فقط در ذهن ماست. مثلاً اعداد در عالم واقعیت وجود ندارند؛ ولی عدد «۲» مصداقی از مفهوم عدد است یا مثلاً خود مفاهیم «تصور»، «قواعد ذهن» و مانند این‌ها که مصداقشان نیز فقط در ذهن است، نه در واقعیت خارج از ذهن؛ بنابراین مصداق یک مفهوم ممکن است ذهنی یا واقعی باشند.

می‌دانیم که مفهوم «غول یک چشم» مصداق واقعی ندارد و اصلاً نمی‌تواند در عالم واقعیت وجود داشته باشد (اصطلاحاً می‌گوییم وجود مصداقش محال است)؛ اما با این حال، چنین مفهومی کلی محسوب می‌شود؛ زیرا می‌توانیم در ذهنمان برایش مصداق‌های زیادی فرض کنیم. مثلاً یک لشکر غول یک چشم که به جنگ انسان‌ها می‌آیند؛ پس باز هم اینگونه مفاهیم کلی هستند؛ بنابراین کلی بودن یک مفهوم به مصداق داشتن یا نداشتن آن ربطی ندارد و بعضی مفاهیم کلی فاقد مصداق خارجی‌اند و فقط در ذهن می‌توانیم برایش مصداق فرض کنیم. مثل مفاهیم اسب بالدار، خرس سخن‌گو، مربع دایره، انسان هفت‌متری و مانند این‌ها.

● مفهوم «خداوند» فقط یک مصداق دارد و نمی‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد؛ اما این مفهوم هم کلی است؛ زیرا می‌توانیم برای این مفهوم نیز مصداق‌های متعدد فرض کنیم. درست همان‌طور که در گذشته بسیاری از اقوام و ملل دارای خدایان متعدد بودند؛ پس باید بگوییم مفهوم کلی ممکن است فقط یک مصداق واقعی داشته باشد و امکان وجود بیش از یک مصداق برایش محال باشد. مثل مفاهیم «کوچک‌ترین فرزند این خانم»، «تنها دختر این آقا»، «آفریدگار عالم»، «قهرمان والیبال المپیک ۲۰۰۰» و مانند این‌ها.

● صفت تفضیلی مثل بزرگ‌ترین، کوچک‌ترین و اوصافی که فقط به یک مصداق اشاره می‌کنند، نیز کلی هستند. مفهوم «کوچک‌ترین فرزند آقای احمدی» را در نظر بگیرید. به نظر می‌آید که این مفهوم جزئی باشد؛ اما کلی است. فرض کنید آقای احمدی سه فرزند دارد. خب! معلوم است که فرزند اول و دوم نیز زمانی کوچک‌ترین فرزند آقای احمدی بوده‌اند و حالا فرزند سوم که به دنیا آمده، شده کوچک‌ترین فرزند ایشان. در سایر موارد نیز همین‌گونه است؛ پس می‌توانیم بگوییم هر صفت و توضیحی که فقط به یک مصداق اشاره می‌کند، مفهوم کلی و خود آن مصداق، مفهوم جزئی است. به مثال‌های زیر دقت کنید:

|                                  |                    |
|----------------------------------|--------------------|
| بلندترین قله جهان (کلی)          | اورست (جزئی)       |
| تنها نویسنده این کتاب (کلی)      | احمد خداداد (جزئی) |
| کشور قهرمان جام جهانی ۲۰۱۸ (کلی) | فرانسه (جزئی)      |
| پایتخت ایران (کلی)               | تهران (جزئی)       |
| مؤسس سلسله صفویه (کلی)           | شاه اسماعیل (جزئی) |

● برخی مفاهیم کلی مرکب هستند. مثل «بهترین تیم فوتبال در جام جهانی ۲۰۱۸». اگر دقت کنیم، می‌بینیم که اجزای این مفهوم نیز کلی هستند. مفاهیم تشکیل‌دهنده یک مفهوم کلی مرکب، خودشان نیز کلی هستند.

● مفهوم حیوان یک مفهوم کلی است. اسب، انسان، پرنده، این قناری و مانند این‌ها نیز مصادیق مفهوم حیوان محسوب می‌شوند. همان‌طور که می‌بینیم، مصادیق یک مفهوم کلی ممکن است کلی یا جزئی باشند. مفاهیم کلی هم می‌توانند مصادیق کلی داشته باشند و هم جزئی.

| ویژگی خاص مفاهیم کلی   |  |
|--|--|
| قابلیت انطباق بر مصادیق متعددی را دارند (فرض مصادیق متعدد برایش ممکن است). |  |
| ویژگی‌های مختلف انواع مفاهیم کلی   |  |
| ممکن است هیچ مصداقی در واقعیت نداشته باشد.                                 | دریای جیوه - اسب بالدار                            |
| وجود مصداقش در واقعیت محال باشد.   | دایره مربع - انسانی که انسان نیست.                 |
| فقط می‌تواند یک مصداق واقعی داشته باشد.                                    | بلندترین قله جهان - رییس‌جمهور فعلی ایران - خداوند |

### توضیح تکمیلی درباره مفاهیم جزئی

● وقتی تصویری از یک شیء خارجی را به‌طور کاملاً مشخص می‌شناسیم یا در همین لحظه می‌بینیم، مفهومی جزئی از آن در ذهن شکل می‌گیرد. اصلاً برای همین است که می‌گوییم اسامی خاص و مفاهیم دارای اسم اشاره «این» و «آن»، جزئی هستند. مثلاً وقتی می‌گوییم «این ماشین»، به یک ماشین جلوی رویمان اشاره می‌کنیم که معلوم است نمی‌تواند دو یا چند مصداق داشته باشد یا مثلاً «دکتر شفیعی کدکنی» یک انسان کاملاً مشخص و معین (و البته محترم) است که نمی‌توان بیش از یک مصداق برایش فرض کرد؛ بنابراین مفهومی که از یک شیء واقعی مشخص در ذهن می‌سازیم، مفهوم جزئی است. به عبارت دیگر، از هر موجود مشخصی در واقعیت، یک مفهوم جزئی در ذهن شکل می‌گیرد.

● گاهی ممکن است به این مسئله فکر کنیم که اسامی خاص هم ممکن است دو یا چند مصداق داشته باشند و کلی شوند. مثلاً اسم مؤلف این کتاب احمد خداداد است و در واقعیت، چند احمد خداداد وجود دارد که یکی مؤلف این کتاب است، دیگری پزشک است و نفر سوم هم مربی فوتبال! بله درست است؛ اما با این حال، وقتی کسی می‌گوید «احمد خداداد»، قطعاً فقط منظورش یکی از این سه نفر است و به همین دلیل، اسم خاص همچنان مفهوم جزئی است. حتی اسامی شهرها، خیابان‌ها و مکان‌ها هم که ممکن است بین چند مکان مشترک باشد را باز هم جزئی می‌گیریم. مثل خیابان حافظ که احتمالاً در بیشتر شهرهای کشور وجود دارد؛ اما چون وقتی مفهوم خیابان حافظ را در ذهن می‌آوریم، به خیابان حافظ در یکی از شهرها فکر می‌کنیم، این مفهوم جزئی خواهد بود؛ پس به‌طور کلی، اسامی خاص حتی اگر چند مصداق مختلف داشته باشند، به دلیل اشاره به یکی از این مصادیق، باز هم جزئی خواهند بود.

● یاد گرفتیم که اسامی اشاره مفهوم را جزئی می‌کنند؛ اما فقط مفهومی را جزئی می‌کنند که مستقیماً مورد اشاره قرار می‌دهند. مثال‌های زیر را ببینید:

این خانم

دختر این خانم

مفهوم «این خانم» قطعاً جزئی است؛ زیرا اسم اشاره گرفته است؛ اما «دختر این خانم» دیگر جزئی نیست؛ زیرا می‌توانیم برای این خانم دخترهای زیادی فرض کنیم. به عبارت دیگر، مفهوم مورد نظر ما در اینجا مفهوم «دختر» است، نه مفهوم «این خانم»؛ پس اسم اشاره فقط مفهومی را جزئی می‌کند که پس از اسم اشاره آمده است، نه قبل آن.

● باید حواسمان باشد که اسامی اشاره را با ضمائر ملکی اشتباه نگیریم. اسامی اشاره جزئی‌سازند. مثل این کتاب، آن دفتر، همین خودکار و ...؛ اما ضمائر ملکی این‌گونه نیستند. مثل کتاب من، لباس او، کلاس آن‌ها و ...؛ بنابراین ضمائر ملکی نشانه جزئی بودن مفاهیم نیستند.

● مفهومی مانند «رستم شاهنامه» را در نظر بگیرید. این مفهوم هیچ مصداقی در واقعیت ندارد؛ درواقع مصداق رستم شاهنامه فقط در عالم ذهن است؛

اما با این حال، در همین عالم خیالی نیز یک مصداق بیشتر ندارد. به همین دلیل می‌گوییم گاهی ممکن است مفهوم جزئی نیز هیچ مصداقی در واقعیت نداشته باشد؛ درست مثل بیشتر شخصیت‌های معروف داستانی از قبیل هملت شکسپیر، هری پاتر، رخش و مانند این‌ها.

## سببین؟ مجرم

کدام یک از مفاهیم زیر جزئی محسوب می‌شود؟

- ۱) کتابی که روی میز خانم صفری است.
- ۲) آخرین فرستاده خدا و پیامبر اسلام
- ۳) همین خیابان که ابتدایش ایستاده‌ایم.
- ۴) اسم اشاره که ابتدای اسم می‌آید.

**پاسخ:** خب! شاید کار کمی سخت شده باشد. ظاهراً همه گزینه‌ها باید جزئی باشند. حالا برمی‌گردیم به قاعده‌ای که برای تشخیص مفاهیم جزئی داشتیم؛ یعنی این قاعده که تمام اسامی خاص و اسامی‌ای که با اسم اشاره شروع می‌شوند، مفهوم جزئی هستند. بر همین اساس، تک‌تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم.

گزینه «۱»: دقت کنید که مفهوم ما در اینجا کتاب است، نه اسم خاص «خانم صفری». حال این مفهوم نه اسم خاص است و نه دارای اسم اشاره؛ پس کلی است.

گزینه «۲»: نه اسم خاص است و نه دارای اسم اشاره. گرچه در واقعیت یک مصداق بیشتر ندارد؛ پس کلی است.

گزینه «۳»: خب اسم خاص که نیست؛ اما اگر دقت کنیم، می‌بینیم که لفظ «همین» در واقع همان اسم اشاره است؛ یعنی اصل عبارت این‌گونه بوده است: «این خیابانی که ابتدایش ایستاده‌ایم»؛ پس این مفهوم جزئی است.

گزینه «۴»: حواستان را جمع کنید! نگفتیم اسامی اشاره جزئی هستند؛ بلکه گفته بودیم مفهومی که دارای اسم اشاره این یا آن باشد؛ پس خود مفهوم «اسم اشاره» مفهومی کلی است که می‌تواند مصداق مختلفی مانند «این»، «آن» و «همین» داشته باشد.

## چند نفرند برا تشخیص کلی از جزئی

قاعده اصلی: فقط کلمات دارای اسم اشاره و اسامی خاص جزئی هستند.

- این قاعده را باید جدی بگیریم و فقط براساس آن پیش برویم؛ اما باید حواسمان را جمع کنیم که:
- ۱) فقط باید به کلمه اول یک عبارت توجه کنیم؛ یعنی مفهومی که می‌خواهیم بدانیم کلی یا جزئی است، کلمه ابتدایی عبارت است. مثل «دانش آموزی که درس منطق را بیست گرفت.» در اینجا مفهوم مورد نظر «دانش‌آموز» است که کلی می‌شود.
  - ۲) «همین» و «همان» نیز مثل «این» و «آن» اسم اشاره هستند.

قاعده فرعی: مفهوم کلی، هر چقدر هم قید و صفت بگیرد، باز هم کلی باقی می‌ماند.

یعنی هم مفهوم «کتاب» کلی است و هم مفهوم «کتاب پرفروش امسال که توسط محمود دولت‌آبادی نوشته شده و در مرداد توسط انتشارات ارونند به چاپ رسید.» با این حال، خیلی وقت‌ها یک سری عوامل فریبنده در سؤالات باعث می‌شود که وسوسه شویم به نکات دیگر هم توجه کنیم.

### فریبنده‌ها

- ۱) در تشخیص کلی از جزئی، کاری به تعداد مصداق واقعی آن مفهوم نداریم؛ زیرا گاهی کلی‌ها هم فقط یک مصداق واقعی دارند؛ پایتخت هند (کلی) و دهلی (جزئی)
- ۲) در تشخیص کلی از جزئی کاری به واقعی بودن یا نبودن مفهوم نداریم؛ زیرا مفهوم خیالی ممکن است کلی یا جزئی باشد؛ گول دریاچه یخی (کلی) و هری پاتر (جزئی)
- ۳) در تشخیص کلی از جزئی، کاری به تعداد کلمات نداریم؛ زیرا تعداد زیاد کلمات دلیلی برای جزئی شدن مفهوم نیست؛ سالی که در رودبار زلزله آمد (کلی) و خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (جزئی)
- ۴) در تشخیص کلی از جزئی، کاری به معرفه و نکره بودن کلمات نداریم؛ زیرا هر معرفه‌ای لزوماً جزئی نیست. برای مثال «سعدی» مفهوم جزئی و «غزل سعدی» مفهوم کلی است، با اینکه هر دو معرفه هستند.
- ۵) در تشخیص کلی از جزئی، کاری به جمع و مفرد بودن کلمات نداریم؛ یعنی نباید از طریق تعداد اعضای یک مفهوم، آن را کلی یا جزئی بدانیم. مثلاً «این بیست کتاب» مفهوم جزئی و «بیست کتاب» مفهوم کلی است. در اصل باید بگوییم یک مجموعه خاص قطعاً جزئی است.
- ۶) اسم اشاره فقط زمانی مفهوم را جزئی می‌کند که در ابتدای عبارت آمده باشد؛ یعنی اسم اشاره فقط مفهوم مستقیم بعد از خودش را جزئی می‌کند: کتاب منطق این خانم («کتاب منطق» کلی و «این خانم» جزئی است)؛ پس کتاب منطق این خانم یک مفهوم کلی است.
- ۷) القاب و اوصاف تاریخی اسم خاص نیستند. این لقب‌ها با اینکه فقط به یک نفر نسبت داده می‌شوند و مصداق آن کاملاً مشخص است، باز هم کلی هستند: خاتم‌الانبیا (کلی)، مولود کعبه (کلی)، نویسنده بوستان (کلی)؛ اما حضرت محمد (ص) (جزئی)، حضرت علی (ع) (جزئی) و سعدی (جزئی)
- ۸) ضمایر ملکی جزئی‌ساز نیستند؛ پس مفاهیمی مثل «پدر شما»، «لباس او» و «دفتر من» کلی هستند.

| مثال  | ویژگی مفهوم                                  |
|---|--|
| میدان تجریش، خیابان تختی، ریحانه لطفی و ...           | هر نوع اسم خاص                               |
| «مهر» و «مهر» نقطه ندارند (الفاظ مهر و مهر جزئی‌اند). | وقتی لفظ یک مفهوم موردنظر باشد، نه خود مفهوم |
| مریخ، عطارد و ...                                     | اسامی سیارات، به‌جز خورشید و ماه             |
| بتمن، مرد عنکبوتی، زورو و ...                         | شخصیت‌های خیالی و داستانی                    |

خب! دیگر هر چه از کلی و جزئی گفتیم کافی است. برویم سراغ بخش بعدی.

## نسبت‌های چهارگانه (رابطه میان مصادیق دو مفهوم کلی)

اگر دو مفهوم کلی را با هم مقایسه کنیم، میان مصادیق آن‌ها می‌تواند چهار نوع نسبت وجود داشته باشد. به این چهار نوع نسبت می‌گوییم نسبت‌های چهارگانه. فراموش نکنید که نسبت‌های چهارگانه میان دو مفهوم کلی در نظر گرفته می‌شود.

### ۱. تساوی

اگر تمامی مصادیق مفهوم الف، مصادیق مفهوم ب باشد و تمامی مصادیق مفهوم ب نیز مصداق مفهوم الف باشند، نسبت آن‌ها تساوی است. مثل مفاهیم «انسان و متفکر» و «مثلث و سه‌ضلعی» پس به‌طور خلاصه می‌توانیم بگوییم: دو مفهوم زمانی مساوی خواهند بود که تمام مصادیقشان مشترک باشد و مفهوم غیرمشترک نداشته باشند.

### ۲. تباین

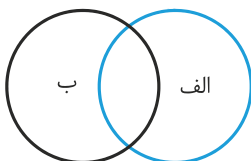
اگر دو مفهوم الف و ب هیچ مصداق مشترکی نداشته باشند، دو مفهوم با هم میان و ناسازگارند و نسبتشان تباین است. مثل نسبت میان انسان و سنگ یا تصور و تصدیق یا آب و نفت.

### ۳. عموم و خصوص مطلق

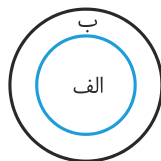
دو مفهوم انسان و هنرمند را در نظر بگیرید. تمامی هنرمندها، مصداق مفهوم انسان نیز هستند؛ اما هر انسانی، مصداق مفهوم هنرمند نیست. در چنین حالتی، میان دو مفهوم انسان و هنرمند، نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ یعنی مفهوم عام‌تر دارای مصادیقی است که با مفهوم خاص‌تر مشترک نیستند؛ ولی تمامی مصادیق مفهوم خاص مصادیق مفهوم عام نیز هستند. مثل جسم و سنگ، حیوان و گربه، گیاه و گل سرخ.

### ۴. عموم و خصوص من‌وجه

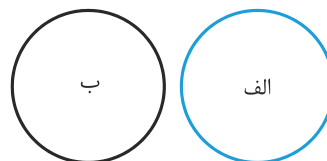
گاهی دو مفهوم کلی هم دارای مصادیق مشترک هستند و هم دارای مصادیق متفاوت؛ یعنی هر کدام از دو مفهوم دارای یک‌سری مصادیق‌هایی است که در دیگری وجود ندارد. به این نوع مفهوم می‌گوییم عموم و خصوص من‌وجه؛ یعنی هر کدام از دو مفهوم، از یک نظر (از یک وجه) عام است و از یک نظر خاص. مثل مفاهیم سیاه و مداد، سفید و لباس.



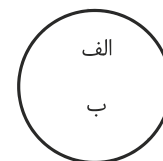
بعضی الف ب است  
بعضی الف ب نیست  
بعضی ب الف است  
بعضی ب الف نیست



هر الف ب است  
بعضی ب الف است  
بعضی ب الف است



تباین  
هیچ الف ب نیست  
هیچ ب الف نیست



تساوی  
هر الف ب است  
هر ب الف است

هر کدام از نسبت‌های چهارگانه را می‌توان با چند تصدیق معرفی کرد:

#### تساوی (با دو تصدیق):

هر «الف» «ب» است. و هر «ب» «الف» است.  
هر مثلثی سه‌ضلعی است. و هر سه‌ضلعی‌ای مثلث است.

#### تباین (با دو تصدیق)

هیچ «الف» «ب» نیست. و هیچ «ب» «الف» نیست.  
هیچ کلاغی گیاه نیست. و هیچ گیاهی کلاغ نیست.

عموم و خصوص مطلق (با سه تصدیق)

هر «الف» «ب» است. بعضی «ب» «الف» است.  
 هر شکری شیرین است. بعضی شیرین‌ها شکرند.  
 بعضی «ب» «الف» نیست. بعضی «ب» «الف» نیست.  
 بعضی شیرین‌ها شکر نیستند. بعضی شیرین‌ها شکر نیستند.

عموم و خصوص من وجه (با چهار تصدیق)

بعضی «الف» «ب» است. بعضی «ب» «الف» است.  
 برخی پول‌ها کاغذی‌اند. برخی پول‌ها کاغذی نیستند.  
 بعضی «الف» «ب» نیست. بعضی «ب» «الف» نیست.  
 برخی پول‌ها کاغذی نیستند. برخی کاغذها پول‌اند.

نسبت‌های چهارگانه در یک نگاه

| نسبت               | تصدیق متناظر با نسبت   | مثال                      | نکته  |
|--------------------|--|---------------------------|---|
| تساوی              | هر «الف» «ب» است.<br>هر «ب» «الف» است.   | انسان و متفکر             | همهٔ مصادیق مشترک است.  |
| تباين              | هیچ «الف» «ب» نیست.<br>هیچ «ب» «الف» نیست.   | آب و آتش<br>منطق و مغالطه | هیچ مصادیق مشترکی وجود ندارد.   |
| عموم و خصوص مطلق   | هر «الف» «ب» است.<br>بعضی «ب» «الف» است.<br>بعضی «ب» «الف» نیست.                           | جسم و آب<br>رنگ و سبز     | هم مصادیق مشترک وجود دارد.<br>هم مصادیق غیرمشترک وجود دارد.<br>(فقط یکی از دو مفهوم دارای مصادیق غیرمشترک است). |
| عموم و خصوص من وجه | بعضی «الف» «ب» است.<br>بعضی «الف» «ب» نیست.<br>بعضی «ب» «الف» است.<br>بعضی «ب» «الف» نیست. | سفید و کاغذ<br>سبز و درخت | هم مصادیق مشترک وجود دارد.<br>هم مصادیق غیرمشترک وجود دارد.<br>(هر دو مفهوم دارای مصادیق غیرمشترک هستند).       |

منطق

ریزه‌کاری‌های

○ رابطهٔ میان «اجزاء با کل» و «مجموعه با زیرمجموعه» با نسبت دو مفهوم عموم و خصوص مطلق فرق دارد. ببینید! عقربهٔ ساعت یکی از اجزای ساعت است؛ اما نسبت عقربه و ساعت می‌شود تباين، نه عموم و خصوص مطلق؛ زیرا در مفهوم «ساعت» لزوماً مفهوم «عقربه وجود ندارد.» چند مثال دیگر را در ادامه می‌بینیم:

خانه و دیوار ← تباين

شیر و پنیر ← تباين

کیک و آرد ← تباين

○ در بررسی نسبت بین دو مفهوم فقط به مصادیق آن‌ها نباید توجه کنیم؛ بلکه باید خود مفاهیم را نیز در نظر بگیریم. برای مثال، دو مفهوم «دارای مدرک کارشناسی» و «دانشجوی کارشناسی» نسبتشان تباين است؛ اما ممکن است کسی باشد که مجدداً در مقطع کارشناسی دانشجویی یک رشتهٔ دیگر باشد. با این حال، باز هم نسبت دو مفهوم را تباين در نظر می‌گیریم. مثال دیگر دو شغل «معلمی» و «وکالت» است. این دو نیز گرچه ممکن است در یک نفر هم‌زمان وجود داشته باشند؛ اما نسبتشان را تباين می‌دانیم. در واقع، نسبت‌های چهارگانه از نظر مفهومی بررسی می‌شوند، نه مصادیق.

○ در نسبت عموم و خصوص مطلق، تعداد مصادیق واقعی و فرضی مفهوم عام بیشتر از تعداد مصادیق مفهوم خاص است. مثل نسبت حیوان و اسب یا نسبت جسم و جماد؛ اما در نسبت عموم و خصوص من وجه، معلوم نیست که کدام مفهوم تعداد مصادیق بیشتری دارد؛ مگر اینکه دو مفهوم را کاملاً بشناسیم تا مطمئن شویم کدام یک مصادیق بیشتری دارد؛ اما چون فقط مصادیق واقعاً موجود را در نظر نمی‌گیریم، در نهایت باز هم نمی‌شود گفت تعداد مصادیق کدام یک بیشتر است.

○ شناخت مفاهیم کلی و نسبت میان آن‌ها در مباحث تعریف و اقسام قضا بسیار بسیار ضروری خواهد بود.

استفاده از نسبت‌های چهارگانه در طبقه‌بندی مفاهیم

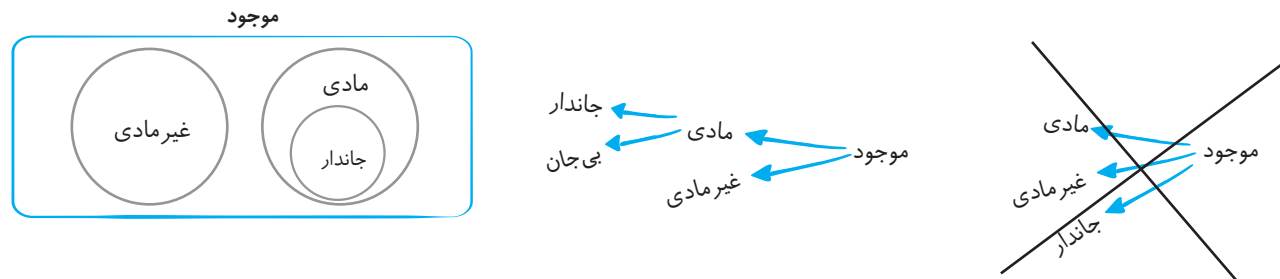
خیلی وقت‌ها انسان برای درک بهتر و منظم‌تر مفاهیم و درک رابطه میان آن‌ها، مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کند؛ یعنی وجوه افتراق (تفاوت) و اشتراک (تشابه) هر مفهوم را با مفاهیم دیگر مشخص می‌کنیم. این طبقه‌بندی‌ها معمولاً پایهٔ منطقی دارند و براساس نسبت‌های چهارگانه انجام شده‌اند. در علوم مختلف با استفاده از نسبت‌های چهارگانه، مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کنند.

روش طبقه‌بندی مفاهیم

- ۱) عام‌ترین مفهوم در بالا و ابتدای طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. مثلاً مفهوم «موجود» را ابتدای کار قرار می‌دهیم.
- ۲) در طبقهٔ دوم، مفاهیمی قرار می‌گیرند که پس از مفهوم اول، دارای بیشترین مصادیق باشند. مثلاً مفاهیم موجودات مادی و موجودات غیرمادی را در زیر مفهوم اول قرار می‌دهیم.



- ۳) دو مفهوم زمانی در یک طبقه قرار می‌گیرند که نسبتشان تباین باشد. برای مثال، اگر مفهوم جاندار را مستقیماً در زیر مفهوم «موجود» قرار دهیم، نسبتش با مفهوم «موجود مادی» عموم و خصوص مطلق است؛ پس باید در زیر موجود مادی قرار بگیرد، نه در کنار آن. مفاهیمی که در یک طبقه قرار می‌گیرند، اقسام مفهوم بالاتر از خود هستند. مثلاً مادی و غیرمادی اقسام موجود شمرده می‌شوند.



- ۴) نسبت میان دو مفهوم در دو طبقهٔ متفاوت، عموم و خصوص مطلق است. برای اینکه مطمئن باشیم طبقه‌بندی درستی انجام داده‌ایم، باید چک کنیم که مفهوم خاص همیشه در طبقات زیرین مفهوم عام باشد.
- ۵) عام‌ترین مفهوم در ابتدا و خاص‌ترین مفاهیم در انتهای طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. این ویژگی باعث می‌شود که مطمئن شویم طبقه‌بندی ما درست است.

**طبقه‌بندی مفاهیم**

فقط برای مفاهیم کلی استفاده می‌شود.  
 از نسبت‌های چهارگانه استفاده می‌کند.  
 عام‌ترین مفهوم در ابتدا و خاص‌ترین مفهوم در انتها قرار می‌گیرد.  
 نسبت مفهوم هر طبقه با طبقات بالا و پایینش، عموم و خصوص مطلق است.  
 اقسام یک مفهوم باید با یکدیگر نسبت تباین داشته باشند.

404 اشتباهات رایج

- ۱) تشخیص جزئی از کلی: تقریباً سخت‌ترین بخش کار همین‌جاست. یک‌بار دیگر بخش‌های مربوط به درسنامه را مرور کنید. سعی کنید فقط به قاعدهٔ اصلی و فرعی گفته‌شده در این کتاب تکیه کنید و از وسوسه‌های دیگر برحذر باشید!
- ۲) عدم توجه به جزئی‌بودن مفهوم در تشخیص نسبت بین دو مفهوم: خیلی وقت‌ها، طراحان سؤال برای فریب ما در گزینه‌ها، یکی از مفاهیم را جزئی می‌دهند. مثل نسبت «دماوند و قله» حواستان باشد که در این حالت نمی‌شود از نسبت‌های چهارگانه حرفی زد.
- ۳) اشتباه گرفتن رابطهٔ کل و جزء با عموم و خصوص مطلق: یادتان باشد که نسبت کل با اجزایش تباین است. مثل نسبت فرمان خودرو با خودرو؛ ولی ما گاهی به اشتباه این رابطه را عموم و خصوص مطلق می‌گیریم. مثال بیشتر: دیوار و آجر (تباین)؛ در و دستگیرهٔ در (تباین)؛ درخت و تنهٔ درخت (تباین)
- ۴) تفاوت میان اقسام یک طبقه و انواع موجود در طبقات: اقسام یک طبقه با هم نسبت تباین دارند. مثل نسبت میان اسب و خرس که اقسام پستانداران هستند؛ اما انواع موجود در طبقات با یکدیگر نسبت عموم و خصوص مطلق دارند. مثل نسبت میان مهره‌دار و پستاندار که عموم و خصوص مطلق است.
- ۵) تفاوت میان اجزای یک مفهوم و اقسام یک مفهوم: اقسام هر مفهومی قطعاً با خود مفهوم نسبت عموم و خصوص مطلق دارند. مثل سبز و زرد که اقسام «رنگ» محسوب می‌شوند؛ اما اجزای یک مفهوم با آن مفهوم نسبت تباین دارند. مثل اتاق که از اجزای مفهوم خانه است.

# درسنامه را جمع و جور کنیم

- ۱ برای مفاهیم کلی با ویژگی‌های زیر، مثال بیاورید:
  - الف) هیچ مصادیقی در واقعیت ندارد. (ب) فقط یک مصادیق در واقعیت دارد. (پ) مصادیق متعددی در واقعیت دارد.
  - ۲ برای مفاهیم جزئی با ویژگی‌های زیر مثال بزنید.
  - الف) هیچ مصادیقی در واقعیت ندارد. (ب) زمانی مصادیق داشته؛ ولی اکنون نه.
  - ۳ قاعده اصلی برای شناخت مفاهیم جزئی چیست؟ رد پا: ۳۳
  - ۴ هر کدام از نسبت‌های چهارگانه را با چند تصدیق می‌توانیم نشان دهیم؟ رد پا: ۳۴ و ۳۵
  - ۵ اگر دو مفهوم کلی دارای مصادیق مشترک باشند، کدام نسبت‌ها ممکن است میانشان برقرار باشد؟ رد پا: ۳۵
  - ۶ طبقه‌بندی جانوران را به شکل ساده رسم کنید و نسبت میان مفاهیم را مشخص کنید.
  - ۷ اگر مفهومی مصادیق خارجی نداشته باشد، ..... است.
  - ۸ نسبت میان دو مفهوم زمان و ساعت چیست؟
  - ۹ مفاهیمی که در طبقه‌بندی مفاهیم به کار می‌روند، باید ..... باشند.
  - ۱۰ نسبت میان دو مفهوم «کلی» و «جزئی» چیست؟
- پاسخ: ۷. کلی یا جزئی / ۸. عموم و خصوص مطلق / ۹. کلی / ۱۰. تباین

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم

### تک‌گزینه‌ای

۱۵۳. به فرد یا شیئی که نمونه و مثال یک مفهوم باشد، ..... می‌گویند.
  - ۱ معنا
  - ۲ تصور
  - ۳ مصادیق
  - ۴ واقعیت
۱۵۴. به اشیا یا افرادی که در جهان بر مفاهیم و تصورات منطبق می‌شوند، ..... می‌گویند.
  - ۱ تعاریف
  - ۲ مصادیق
  - ۳ جزئیات
  - ۴ کلیات
۱۵۵. مفهوم جزئی، مفهومی است که .....
  - ۱ قابل انطباق بر مصادیق بیرونی نیست.
  - ۲ قابلیت انطباق بر موارد خاص را دارد.
  - ۳ جزئی از یک مفهوم کلی محسوب می‌شود.
  - ۴ قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد.
۱۵۶. مفهوم کلی مفهومی است که .....
  - ۱ قابلیت انطباق بر موارد متعدد را دارد.
  - ۲ دارای مصادیق متعدد واقعی است.
  - ۳ تنها دارای موارد فرضی متعدد است.
  - ۴ تنها مصادیق کلی را شامل می‌شود.
۱۵۷. در کدام گزینه به نشانه‌هایی اشاره شده که مشخص‌کننده مفاهیم جزئی است؟
  - ۱ ضمایر ملکی و اسامی خاص
  - ۲ اعلام و کلمات دارای اسم اشاره
  - ۳ اسامی اشاره و اسامی خاص
  - ۴ اعلام و کلمات دارای ضمایر ملکی
۱۵۸. کدام گزینه مفهومی کلی محسوب نمی‌شود؟
  - ۱ خاتم‌الانبیا
  - ۲ دختر حضرت محمد (ص)
  - ۳ پیامبر اسلام
  - ۴ حضرت محمد (ص)
۱۵۹. در کدام گزینه هر دو کلمه کلی هستند؟
  - ۱ سعدی شاعر - خیابان حافظ
  - ۲ دهقان فداکار - کشاورز نمونه
  - ۳ میدان آزادی - خیابان آزادی
  - ۴ معلم مدرسه - همین امتحان
۱۶۰. در کدام یک از نسبت‌های چهارگانه هیچ مصادیق مشترکی وجود ندارد؟
  - ۱ عموم و خصوص من‌وجه
  - ۲ تساوی
  - ۳ تباین
  - ۴ عموم و خصوص مطلق
۱۶۱. اگر دایره مصادیق یک مفهوم درون دایره مصادیق مفهوم دیگری قرار بگیرد، نسبت آن دو مفهوم چیست؟
  - ۱ عموم و خصوص من‌وجه
  - ۲ تساوی
  - ۳ تباین
  - ۴ عموم و خصوص مطلق

۱۶۲. اگر تمام مصادیق مفهوم «الف»، مصادیق مفهوم «ب» نیز باشند، نسبت میان «الف» و «ب» ..... است.
- ۱ عموماً و خصوص من‌وجه یا مطلق  
۲ تساوی یا عموم و خصوص مطلق  
۳ تباین یا عموم و خصوص من‌وجه  
۴ تساوی یا عموم و خصوص من‌وجه
۱۶۳. نسبت میان «مشترک لفظی» و «لفظ» چیست؟
- ۱ عموماً و خصوص من‌وجه  
۲ تساوی  
۳ تباین  
۴ عموم و خصوص مطلق
۱۶۴. کدام دو مفهوم دارای مصداق مشترک نیستند؟
- ۱ مغالطه و خطای تفکر  
۲ تفکر و تعریف  
۳ علم و تصور  
۴ تصدیق و تصور
۱۶۵. در کدام گزینه نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد؟
- ۱ فرمان خودرو و خودرو  
۲ ایرانی و غیرایرانی  
۳ ایرانی و سمنانی  
۴ وانت و اتوبوس
۱۶۶. در کدام گزینه نسبت عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد؟
- ۱ متولد ایران و متولد اهواز  
۲ متولد مشهد و ساکن لندن  
۳ ساکن اهواز و ساکن استانبول  
۴ خراسانی و متولد مشهد
۱۶۷. اگر همه سنگ‌ها سفید بودند، نسبت میان دو مفهوم «سنگ» و «سفید» ..... بود.
- ۱ عموماً و خصوص من‌وجه  
۲ تساوی  
۳ تباین  
۴ عموم و خصوص مطلق
۱۶۸. در یک طبقه‌بندی درست، مفهوم ابتدایی و انتهایی به ترتیب ..... و ..... هستند.
- ۱ عام‌تر - خاص‌تر  
۲ کلی - جزئی  
۳ خاص‌تر - عام‌تر  
۴ جزئی - کلی
۱۶۹. نسبت میان اقسام مختلف مفاهیمی که در یک طبقه قرار می‌گیرند، چیست؟
- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین
۱۷۰. در طبقه‌بندی مفاهیم، نسبت میان دو مفهوم در دو طبقه متفاوت، ..... است.
- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین
۱۷۱. نسبت میان اقسام مختلف یک مفهوم چیست؟
- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین
۱۷۲. مباحث مفاهیم کلی و نسبت‌های چهارگانه در منطق، برای آشنایی با کدام مباحث منطقی ضروری است؟
- ۱ الفاظ و دلالت‌ها  
۲ انواع استدلال و کاربرد آن  
۳ اقسام قضایا و بحث تعریف  
۴ تصور و تصدیق

### برهیم گزینگان

۱۷۳. کدام گزینه درباره مفهوم و مصداق درست است؟
- ۱ ما معانی کلمات را می‌فهمیم و به همین دلیل به آن‌ها مفهوم می‌گوییم.  
۲ هر مفهومی دست کم دارای یک مصداق در عالم خارج از ذهن است.  
۳ مفهوم همان تصور است که مصداقش در خارج از ذهن وجود دارد.  
۴ مفهوم، لفظی با معنی است که توسط ذهن انسان درک شده باشد.
۱۷۴. کدام گزینه درباره مفهوم و مصداق درست است؟
- ۱ خودکار روی میز، مفهومی از لفظ «خودکار» است.  
۲ معنای لفظ «دفتر» مصداقی از دفتر محسوب می‌شود.  
۳ تمامی مفاهیمی که با ..... مشخص شده‌اند، مفاهیم ..... محسوب می‌شوند.
۱۷۵. تمامی مفاهیمی که با ..... مشخص شده‌اند، مفاهیم ..... محسوب می‌شوند.
- ۱ ضمائر ملکی - جزئی  
۲ ضمائر ملکی - کلی  
۳ اسامی اشاره - جزئی  
۴ اسامی اشاره - کلی
۱۷۶. اضافه‌شدن کدام گزینه بر سر مفهوم «کتاب روی میز» آن را جزئی خواهد کرد؟
- ۱ تنها  
۲ بزرگ‌ترین  
۳ همین  
۴ بهترین
۱۷۷. مفاهیم ..... قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارند. مانند مفهوم .....
- ۱ جزئی - یادداشتهای شخصی خانم سرلک  
۲ کلی - آفریدگاری که جهان را خلق کرده است.  
۳ جزئی - این گلدانی که روی میز گذاشته‌اند.  
۴ کلی - تنها پیراهنی که هنوز تمیز است.
۱۷۸. ممکن است مفهوم ..... هیچ مصداقی در خارج نداشته باشد، مانند مفهوم .....
- ۱ کلی - لوبیای سحرآمیز  
۲ جزئی - والدین شاگرد اول کلاس  
۳ کلی - این گلدان‌ها  
۴ جزئی - ظروف روی این میز
۱۷۹. کدام مفهوم کلی محسوب می‌شود؟
- ۱ زمین  
۲ خورشید  
۳ زحل  
۴ عطارد
۱۸۰. وقتی دو مفهوم با هم مابین یا ناسازگارند؛ پس قطعاً .....
- ۱ قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارند.  
۲ دایره مصداقشان با هم اشتراکی ندارد.  
۳ هر دو جزء مفاهیم جزئی محسوب می‌شوند.  
۴ هر دو فاقد مصداق خارجی هستند.
۱۸۱. وقتی نسبت دو مفهوم کلی، عموم و خصوص من‌وجه باشند، آنگاه .....
- ۱ برخی مصادیق هرکدام مصداق دیگری نیست.  
۲ تمام مصادیق یکی مصادیق دیگری است.  
۳ هیچ‌کدام مصداقی غیر از مصادیق دیگری ندارد.  
۴ یکی از آن دو عام‌تر و دیگری خاص‌تر است.
۱۸۲. درباره نسبت‌های چهارگانه می‌توانیم بگوییم .....
- ۱ در سه نسبت، هیچ مصداقی میان دو مفهوم مشترک نیست.  
۲ در دو نسبت، تعداد مصادیق یک مفهوم بیشتر از دیگری است.  
۳ در یک نسبت، هیچ مصداق مشترکی بین دو مفهوم وجود ندارد.  
۴ در سه نسبت، یک مفهوم عام‌تر از مفهوم دیگری شمرده می‌شود.



۱۸۳. نسبت میان «ایرانی و تهرانی» و «غیرایرانی و فارسی زبان» به ترتیب چیست؟

- ۱) عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص مطلق  
۲) عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص من وجه  
۳) عموم و مخصوص مطلق - عموم و خصوص من وجه  
۴) عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص مطلق

۱۸۴. نسبت میان یک کلمه و حروف سازنده آن کلمه چیست؟

- ۱) تساوی  
۲) عموم و خصوص من وجه  
۳) عموم و مخصوص مطلق  
۴) تباین

۱۸۵. اگر بدانیم که قطعاً «بعضی الف ب نیست»، آنگاه چه نسبتی میان الف و ب برقرار نیست؟

- ۱) تساوی  
۲) عموم و خصوص من وجه  
۳) عموم و مخصوص مطلق  
۴) تباین

۱۸۶. ویژگی «قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد» مختص مفاهیم ..... است که ..... مضادیک متعدد برایش محال ..... .

- ۱) کلی - فرض - نیست  
۲) جزئی - فرض - است  
۳) کلی - وجود - است  
۴) جزئی - وجود - نیست

۱۸۷. نسبت میان مفهوم کلی و مفهوم جزئی چیست؟

- ۱) تساوی  
۲) عموم و خصوص من وجه  
۳) عموم و مخصوص مطلق  
۴) تباین

۱۸۸. کدام تصویر نسبت میان دو مفهوم «آرد» و «نان» را نشان می‌دهد؟



۱۸۹. کدام گزینه درباره «مفهوم جزئی» درست است؟

- ۱) نمی‌توان برایش مصداقی در واقعیت فرض کرد.  
۲) نمی‌توان برایش مضادیک متعدد در نظر گرفت.  
۳) باید یک مصداق واقعی از آن وجود داشته باشد.  
۴) فرض وجود مصداق آن در واقعیت محال است.

۱۹۰. کدام تصویر نسبت میان دو مفهوم «در» و «دستگیره در» را نشان می‌دهد؟



۱۹۱. تفاوت اصلی میان مفاهیم کلی و جزئی چیست؟

- ۱) وجود یا عدم وجود مصداق  
۲) وجود یا عدم وجود مضادیک متعدد  
۳) واقعیت داشتن یا نداشتن مضادیک  
۴) امکان یا عدم امکان فرض تعدد مضادیک

۱۹۲. کدام گزینه درباره مفاهیم کلی نادرست است؟

- ۱) شاید هیچ مصداقی در واقعیت نداشته باشد.  
۲) شاید فرض مضادیک متعدد برایش محال باشد.  
۳) شاید وجود مصداقش در واقعیت محال باشد.  
۴) شاید فقط یک مصداق واقعی داشته باشد.

۱۹۳. درباره مفهوم جزئی می‌توان گفت: .....

- ۱) لفظی است که فقط بر یک مصداق منطبق می‌شود.  
۲) تصور بیش از یک مصداق برای آن محال است.  
۳) امکان وجود مضادیک آن در واقعیت محال است.  
۴) مصداق ذهنی آن متعدد و واقعی آن تنها یکی است.

۱۹۴. اگر به مفهومی مانند «کوه» قید «بلندترین» اضافه شود، کدام گزینه درست خواهد بود؟

- ۱) مفهوم کلی به مفهومی جزئی تبدیل می‌شود.  
۲) مفهوم جزئی به مفهومی کلی تبدیل می‌شود.  
۳) مفهومی کلی همچنان کلی خواهد ماند.  
۴) مفهومی جزئی همچنان جزئی خواهد ماند.

۱۹۵. در عبارت زیر، کدام یک از مفاهیم کلی محسوب می‌شوند؟

«ابن‌سینا، فیلسوف بزرگ ایرانی، مدعی بوده که از جوانی هیچ کتابی را تا انتها نخوانده است؛ ولی در جای دیگری مدعی می‌شود که کتاب متافیزیک ارسطو را چهار بار خوانده و نفهمیده است.»

- ۱) ابن‌سینا - جای دیگر - متافیزیک ارسطو  
۲) ارسطو - فیلسوف بزرگ ایرانی - کتاب  
۳) مدعی - متافیزیک ارسطو - جوانی  
۴) فیلسوف بزرگ ایرانی - جوانی - کتاب

۱۹۶. مفهوم «کتاب‌فروشی» در کدام گزینه جزئی محسوب می‌شود؟

- ۱) این کتاب‌ها را روز گذشته از کتاب‌فروشی خیابان انقلاب خریدم.  
۲) کتاب‌فروشی کمترین فروشگاه‌های است که در شهر ما دیده می‌شود.  
۳) همین کتاب‌فروشی بود که دیروز کتاب‌هایش را با تخفیف می‌فروخت.  
۴) کتاب‌فروشی عمومی در خیابان انقلاب و روبه‌روی دانشگاه تهران است.

۱۹۷. کدام گزینه درباره همه مفاهیم کلی درست است؟

- ۱) دست کم یک مصداقش در واقعیت وجود دارد.  
۲) مضادیک خارجی متعدد دارد.  
۳) می‌تواند در ذهن بر موارد متعدد صدق کند.  
۴) هم مضادیک ذهنی دارد و هم واقعی.

۱۹۸. در کدام گزینه، همه مفاهیم کلی هستند؟

- ۱) مفهوم کلی - اقسام دلالت الفاظ - مغالطه  
۲) بوستان سعدی - سیندرلا - ادبیات حماسی  
۳) فلسفه اسلامی - منطق ارسطویی - ابن‌سینا  
۴) عباس کبیرستمی - مشترک لفظی - مفهوم جزئی

۱۹۹. تفاوت اصلی میان مفاهیم کلی و جزئی چیست؟

- ۱) جزئی برخلاف کلی، فرض بیش از یک مصداق برایش محال است.  
۲) کلی برخلاف جزئی، نمی‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد.  
۳) جزئی برخلاف کلی، نمی‌تواند مصداق خارجی نداشته باشد.  
۴) کلی برخلاف جزئی، نمی‌تواند مضادیک متعدد داشته باشد.

۲۰۰. در کدام گزینه نسبت عموم و خصوص من وجه وجود دارد؟

- ۱) سفیدی و زردی  
۲) فیلم کمدی و فیلم ترسناک  
۳) اسارت و آزادی  
۴) شهری و روستایی

۲۰۱. در کدام حالت، ممکن نیست که رابطه دو مفهوم «الف» و «ب» عموم و خصوص مطلق باشد؟  
 ۱ «هر الف ب است» و «برخی ب الف است»  
 ۲ «هر ب الف است» و «برخی الف ب نیست»  
 ۳ «برخی الف ب است» و «برخی الف ب نیست»  
 ۴ «برخی ب الف نیست» و «برخی الف ب نیست»
۲۰۲. میان کدام دو مفهوم، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار نیست؟  
 ۱ کوه و دماوند  
 ۲ رنگ و قرمز  
 ۳ منطقه جغرافیایی و کوهستان  
 ۴ مفهوم و کلی
۲۰۳. در کدام گزینه نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد؟  
 ۱ ساعت و عقربه  
 ۲ خانه و اتاق  
 ۳ رود و کارون  
 ۴ دانشجو و دیپلمه
۲۰۴. کدام گزینه درباره طبقه‌بندی مفاهیم نادرست است؟  
 ۱ فقط برای مفاهیم کلی استفاده می‌شود.  
 ۲ هیچ مفهومی نمی‌تواند با دیگری میان باشد.  
 ۳ از نسبت‌های چهارگانه استفاده می‌کند.  
 ۴ در هر علمی می‌تواند کاربرد داشته باشد.
۲۰۵. میان دو مفهوم «مهندسی و پزشکی» و «مهندس و پزشک» به ترتیب چه نسبتی برقرار است؟  
 ۱ تباین - تباین  
 ۲ عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص من وجه  
 ۳ تباین - تباین  
 ۴ عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص من وجه
۲۰۶. در جمله «دوستم، بهمین، در بهمین به دنیا آمده است.» تصور گوینده از مفهوم بهمین، به ترتیب چیست؟  
 ۱ کلی - کلی  
 ۲ کلی - جزئی  
 ۳ جزئی - جزئی  
 ۴ جزئی - کلی
۲۰۷. تصور «دریای حیوه» و «مولود کعبه» به ترتیب یک تصور ..... و ..... است.  
 ۱ جزئی - جزئی  
 ۲ کلی - کلی  
 ۳ کلی - جزئی  
 ۴ جزئی - کلی
۲۰۸. هرگاه مفهومی فقط یک فرد خارجی داشته باشد؛ اما ذهن بتواند افراد دیگری برای آن فرض کند، یک مفهوم ..... است. مثل .....  
 ۱ کلی - مولود کعبه  
 ۲ جزئی - مولود کعبه  
 ۳ کلی - سیمرغ  
 ۴ جزئی - سیمرغ
۲۰۹. از اسناد دو کلی موصوف به «تساوی»، «تباین»، «عموم و خصوص مطلق» و «عموم و خصوص من وجه» به ترتیب، چند تصدیق حاصل می‌شود؟  
 ۱ دو - سه - چهار  
 ۲ دو - دو - سه - چهار  
 ۳ سه - دو - چهار - دو  
 ۴ سه - سه - چهار - دو
۲۱۰. تصور ذهنی ما از امور مختلف ..... نام دارد و نسبت‌های چهارگانه منطقی (نسب اربع) از ..... حادث می‌شوند.  
 ۱ مفهوم - تصدیق دو کلی  
 ۲ مصداق - تصدیق دو کلی  
 ۳ مفهوم - تصور دو کلی  
 ۴ مصداق - تصور دو کلی
۲۱۱. بین مفاهیم کلی «لباس و سفید» و «رنگ و قرمز» به ترتیب، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟  
 ۱ عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص من وجه  
 ۲ عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص مطلق  
 ۳ عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص من وجه  
 ۴ عموم و خصوص من وجه - عموم و خصوص مطلق
۲۱۲. وقتی وسعت دایره مصادیق دو مفهوم کلی به گونه‌ای باشد که یکی به طور کامل درون دیگری قرار بگیرد، میان آنها چه نسبتی برقرار است و مثال آن کدام است؟  
 ۱ عموم و خصوص من وجه - خود کار و آبی  
 ۲ عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص مطلق  
 ۳ عموم و خصوص مطلق - حیوان و جسم  
 ۴ عموم و خصوص من وجه - جوهر و حیوان
۲۱۳. کدام مفهوم می‌تواند در یک طبقه‌بندی درست، بالاتر از دو مفهوم «کارگر» و «کارمند» قرار بگیرد؟  
 ۱ روزمزد  
 ۲ بیمه شده  
 ۳ متخصص  
 ۴ دارای شغل
۲۱۴. کدام گزینه طبقه‌بندی درستی از مفاهیم ارائه کرده است؟ (به ترتیب از مفهوم عام به خاص)  
 ۱ محصل - دانش آموز - دیپلمه  
 ۲ خانواده - پدر - فرزند  
 ۳ سال - ماه - روز  
 ۴ کیفیت - رنگ - نارنجی
۲۱۵. نسبت میان دو مفهوم «دوچرخه» و «رکاب» مانند نسبت موجود در کدام گزینه است؟  
 ۱ روز و شب  
 ۲ انسان و زن  
 ۳ جمعه و روزهای هفته  
 ۴ ایرانی و مسیحی
۲۱۶. اگر هر «الف» «ب» باشد، میان دو مفهوم «الف» و «ب» قطعاً نسبت‌های ..... و ..... برقرار نیست.  
 ۱ تباین و تساوی  
 ۲ تباین و عموم و خصوص مطلق  
 ۳ تباین و عموم و خصوص من وجه  
 ۴ تساوی و عموم و خصوص من وجه
۲۱۷. کدام شکل دو قضیه «بعضی الف ج است» و «هر ب ج است» را به درستی نشان می‌دهد؟  
 ۱   
 ۲   
 ۳   
 ۴ 
۲۱۸. آنگاه که دو کلی هیچ مصداق مشترکی نداشته باشند و آنگاه که هر کلی نسبت به کلی دیگر، از جهتی اعم باشد و از جهتی اصغر، به ترتیب، ..... و ..... محقق می‌شود که از اسناد آن دو کلی به یکدیگر به ترتیب، ..... و ..... قضیه حاصل می‌شود.  
 ۱ تباین - عموم و خصوص مطلق - دو - سه  
 ۲ عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص من وجه - سه - چهار  
 ۳ تباین - عموم و خصوص مطلق - دو - چهار  
 ۴ عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص من وجه - چهار - سه
۲۱۹. بین کلیات «مثنوی و غزل» و «تعریف و استدلال» به ترتیب کدام یک از نسبت‌های چهارگانه منطقی، حاکم است و از اسناد آن دو کلی به یکدیگر، به ترتیب چند قضیه حاصل می‌شود؟  
 ۱ تباین - تساوی - دو - دو  
 ۲ تباین - تباین - دو - دو  
 ۳ تساوی - تباین - سه - چهار  
 ۴ تباین - تساوی - سه - چهار

۲۲۰. کدام مورد بر همه مفاهیم کلی صدق می‌کند؟

- ۱ می‌توان مصادیق متعددی برایش فرض کرد.  
۲ مصادیق متعدد هم خارجی و هم ذهنی دارد.

- ۳ وجود یک مصداق خارجی برایش محال نیست.  
۴ یا بیش از یک مصداق خارجی دارد یا اصلاً فرد خارجی ندارد.

۲۲۱. اگر دو مفهوم مصداق مشترک داشته باشند و اگر مصداق مشترک نداشته باشند، به ترتیب چند حالت میان آن‌ها قابل تصور است؟

- ۱ سه - یک  
۲ دو - دو  
۳ یک - سه  
۴ چهار - صفر

۲۲۲. اگر همه مصادیق مفهوم «الف»، مصادیق مفهوم «ب» باشند، آنگاه می‌توانیم بگوییم که قطعاً.....

- ۱ نسبتشان عموم و خصوص مطلق است.  
۲ همه مصادیق ب نیز مصداق الف محسوب می‌شوند.  
۳ نسبت این دو مفهوم تساوی خواهد بود.  
۴ هر دو مفهوم مصداق مفهوم کلی محسوب می‌شوند.

۲۲۳. نسبت میان «مغالطه و اشتراک» و «تصدیق و تصور»، به ترتیب کدام یک از نسبت‌های چهارگانه است؟

- ۱ عموم و خصوص من‌وجه - تساوی  
۲ عموم و خصوص مطلق - تساوی  
۳ عموم و خصوص من‌وجه - تباین  
۴ عموم و خصوص مطلق - تباین

۲۲۴. وقتی نسبت دو مفهوم «الف» و «ب» عموم و خصوص مطلق است، کدام گزینه درباره آن‌ها نادرست است؟

- ۱ مفهوم «ب» مصادیقی غیر از «الف» ندارد.  
۲ «الف» غیر از «ب» هم مصداق دارد.  
۳ برخی مصادیق «الف» جزء مصادیق «ب» است.  
۴ برخی مصادیق «ب» جزء مصادیق «الف» نیست.

۲۲۵. مفهوم مشخص‌شده در کدام گزینه کلی نیست؟

- ۱ بلندترین رود ایران کارون است.  
۲ «رود» سه حرف دارد.

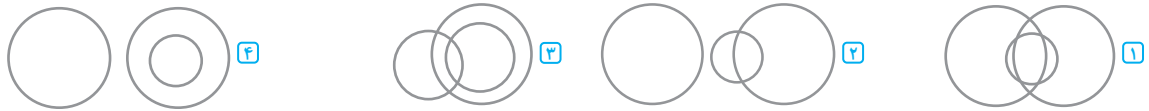
۳ پایتخت چین شانگ‌های نیست.

۴ آخرین فرزند خانم رضایی، پسر است.

۲۲۶. نسبت میان دو مفهوم «سبز و گیاه» برابر است با نسبت میان دو مفهوم.....

- ۱ جسم و سنگ  
۲ انسان و دانش‌آموز  
۳ برگ و گیاه  
۴ چهارچرخ و خودرو

۲۲۷. کدام گزینه نشان‌دهنده نسبت میان سه مفهوم «آجر»، «جسم» و «مکعب مستطیل» است؟



۲۲۸. کدام یک از نسبت‌های چهارگانه میان مفاهیم زیر برقرار نیست؟

«مفهوم - تصور - جزئی - مصداق»

- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین

۲۲۹. میان دو مفهوم «عموم و خصوص مطلق» و «عموم و خصوص من‌وجه» چه نسبتی برقرار است؟

- ۱ تباین  
۲ تساوی  
۳ عموم و خصوص مطلق  
۴ عموم و خصوص من‌وجه

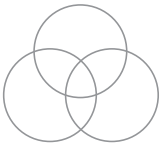
۲۳۰. کلی یا جزئی بودن مفاهیم مشخص‌شده در عبارت زیر را به ترتیب مشخص کنید.

«قناری گفت: کَره ما، کَره قفس‌ها با میله‌های زرین و چینه‌دان چینی.»

- ۱ کلی - کلی - کلی - کلی  
۲ کلی - جزئی - کلی - جزئی  
۳ کلی - جزئی - کلی - کلی  
۴ جزئی - کلی - کلی - کلی

۲۳۱. شکل روبه‌رو نشان‌دهنده نسبت میان مفاهیم کدام گزینه است؟

- ۱ شکل - مربع - پنجره  
۲ فلز - مایع - چوب  
۳ پرنده - سیاه - گوشتخوار  
۴ مایع - بی‌رنگ - بنزین



۲۳۲. کدام گزینه درباره اجزاء یک موجود واقعی با خود موجود درست است؟

- ۱ قطعاً کلی هستند.  
۲ نسبتشان با خود مفهوم عموم و خصوص مطلق است.  
۳ قطعاً جزئی هستند.  
۴ نسبتشان با خود مفهوم عموم و خصوص من‌وجه است.

۲۳۳. هنگام طبقه‌بندی مفاهیم، چه کاری انجام می‌دهیم؟

- ۱ وجوه افتراق و اشتراک مفاهیم را مشخص می‌کنیم.  
۲ مفاهیم مساوی را در یک طبقه از مفاهیم قرار می‌دهیم.  
۳ مفاهیم کلی را از مفاهیم جزئی مشابه تفکیک می‌کنیم.  
۴ مفاهیم را از مصادیق آن‌ها تفکیک و طبقه‌بندی می‌کنیم.

۲۳۴. اقسام مختلف یک مفهوم..... نسبت تباین داشته باشند، وگرنه در یک طبقه قرار.....

- ۱ نباید - می‌گرفتند  
۲ باید - می‌گرفتند  
۳ نباید - نمی‌گرفتند  
۴ باید - نمی‌گرفتند

۲۳۵. اگر دو مفهوم «الف» و «ب» در یک طبقه‌بندی وجود داشته باشند، کدام گزینه درباره آن‌ها درست است؟

- ۱ اگر مصداق مشترک داشته باشند، در یک طبقه قرار می‌گیرند.  
۲ اگر مصداق مشترک نداشته باشند، در دو طبقه مختلف قرار می‌گیرند.  
۳ اگر در یک طبقه باشند، محال است دارای مصداق مشترک نباشند.  
۴ اگر در دو طبقه مختلف باشند، مفهوم بالاتر، مصادیق بیشتری دارد.

۲۳۶. نسبت میان «مفهوم کلی» و «مفهومی که مصداق خارجی ندارد»، چیست؟

- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین

۲۳۷. اگر ثابت کنیم نسبت دو مفهوم «الف» و «ب»..... است، آنگاه نمی‌توان گفت بعضی «الف» «ب» است.

- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من‌وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین

۲۳۸. در کدام گزینه، همه مفاهیم می‌توانند در یک طبقه قرار گیرند؟

- ۱ مکعب - آجر - مستطیل  
۲ دایره - مثلث - دوزنقه  
۳ انسان - حیوان - جاندار  
۴ گیاه - درخت - علف

۲۳۹. کدام گزینه کلی یا جزئی بودن مفاهیم مشخص شده در عبارت زیر را به ترتیب، درست معین کرده است؟  
«در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، در رفراندومی سراسری، نظام جمهوری اسلامی، به عنوان نوع حکومت در ایران مشخص شد.»
- ۱ کلی - کلی - کلی - جزئی  
۲ کلی - کلی - جزئی - جزئی  
۳ جزئی - کلی - کلی - جزئی  
۴ کلی - کلی - جزئی - جزئی

۲۴۰. نسبت میان دو مفهوم «اهل کرمان» و «داوطلب کنکور» مانند نسبت کدام دو مفهوم است؟
- ۱ رنگ و زرد  
۲ ایرانی و شیرازی  
۳ دانش آموز و در حال تحصیل  
۴ دانشجو و کارمند

(فراخ از کشور، ۹۹)

۲۴۱. میان مفاهیم به کاررفته در عبارات زیر، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه را می‌توان برقرار کرد؟  
«امروز با یک توریست آلمانی آشنا شدم که عکاس، خبرنگار و زاده مادری اصفهانی است و دیروز به اصفهان آمده است.»
- ۱ فقط عموم و خصوص من وجه  
۲ عموم و خصوص من وجه و تباین  
۳ عموم و خصوص من وجه و تساوی  
۴ عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه

(سراسری، ۹۹)

۲۴۲. اگر قضایای «بعضی الف‌ها ب هستند» و «بعضی الف‌ها ب نیستند» درست باشند، درباره رابطه «الف و ب» کدام عبارت، درست است؟
- ۱ لزوماً عموم و خصوص من وجه است.  
۲ تساوی یا عموم و خصوص مطلق است.  
۳ تساوی یا عموم و خصوص من وجه است.  
۴ عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه است.



۲۴۳. اگر مطمئن باشیم که مفهومی مانند مفهوم «الف» فقط یک مصداق در واقعیت دارد و ممکن نیست که مصداق دیگری از آن وجود داشته باشد، درباره‌اش می‌توانیم بگوییم .....

- ۱ اگر بتوانیم برایش مصداق دیگری هم فرض کنیم، کلی است.  
۲ جزئی است؛ وجود یک مصداق دیگر برایش محال است.  
۳ اگر بدانیم قبلاً هم مصداق دیگری نداشته، جزئی است.  
۴ کلی است؛ زیرا مفهوم کلی با تعداد مصادیقش کلی نمی‌شود.

۲۴۴. با توجه به درستی قضیه‌های زیر، چند حالت از نسبت‌های چهارگانه می‌تواند میان دو مفهوم «الف» و «ب» برقرار باشد؟  
«بعضی الف ب است» و «بعضی ب الف است»

- ۱ یک  
۲ دو  
۳ سه  
۴ چهار

۲۴۵. با توجه به پاسخ سؤال زیر، چه نسبتی نمی‌تواند میان دو مفهوم «الف» و «ب» برقرار باشد؟  
«آیا همه مصادیق «الف» جزء مصادیق «ب» محسوب می‌شوند؟»

- ۱ خیر - عموم و خصوص مطلق  
۲ بله - عموم و خصوص مطلق  
۳ خیر - تباین  
۴ بله - عموم و خصوص من وجه

۲۴۶. اگر مفهوم «الف» دارای دو قسم «ب» و «پ» باشد و مفهوم «پ» دارای دو قسم «ت» و «ث» باشد، کدام گزینه نادرست است؟
- ۱ نسبت «ب» و «ت» عموم و خصوص مطلق است.  
۲ نسبت «الف» و «ث» عموم و خصوص مطلق است.  
۳ «ب» و «پ» هیچ مصداق مشترکی ندارند.  
۴ نسبت دو مفهوم «ت» و «ث» تباین است.

۲۴۷. عبارت زیر به کدام یک از نسبت‌های چهارگانه اشاره می‌کند؟  
«اتم‌ها دارای ذرات الکترون، پروتون و نوترون هستند.»

- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین

۲۴۸. عبارت زیر به کدام یک از نسبت‌های چهارگانه اشاره می‌کند؟

- «درست است که احمد ایرانی است؛ اما فارسی‌زبان نیست. درست به همان دلیل که اهل تاجیکستان با اینکه ایرانی نیست، فارسی‌زبان است.»
- ۱ تساوی  
۲ عموم و خصوص من وجه  
۳ عموم و مخصوص مطلق  
۴ تباین

۲۴۹. شیوا می‌گوید «هر گیاهی سبز است» و امین معتقد است «هیچ گیاهی سبز نیست». حال اگر کسی ثابت کند که نسبت میان گیاه و سبز ..... است، نادرستی حرف شیوا و امین را هم‌زمان ثابت کرده است.

- ۱ تساوی  
۲ عموم و مخصوص مطلق  
۳ عموم و خصوص من وجه  
۴ تباین

۲۵۰. کدام عبارت درباره نسبت‌های چهارگانه نادرست است؟

- ۱ از اینکه «بعضی «الف» «ب» است.» نتیجه می‌گیریم که نسبت میان «الف» و «ب» عموم و خصوص من وجه است.  
۲ از اینکه نسبت «الف» و «ب» تساوی نیست، نتیجه می‌گیریم که هر «الف» نمی‌تواند «ب» باشد.  
۳ از اینکه نسبت «الف» و «ب» عموم و خصوص من وجه است، نتیجه می‌گیریم که «بعضی «الف» «ب» نیست.»  
۴ از اینکه «هر «الف» «ب» است.»؛ اما «بعضی «ب» «الف» نیست» نتیجه می‌گیریم که نسبتشان عموم و خصوص من وجه است.

مراجع ضمیر است؛ یعنی نمی‌دانیم چه چیز، چه چیزی را می‌خورد تا مطمئن شویم لفظ «شیر» به معنای حیوان است یا شیر خوراکی. پس در اصل، ابهام دارد. / گزینه «۴»: عکس گرفتن مشترک لفظی است؛ زیرا دو معنا می‌دهد: ۱. عکاسی کردن. ۲. از دیگری عکس‌ها را گرفتن؛ پس مغالطه اشتراک لفظ می‌تواند ایجاد شود.

۱۵۰. **گزینه ۳** ابتدا تک‌تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم.

**بررسی همه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: چون دو «صفر» و «صفر» حرکت‌گذاری دارند، خطر مغالطه نگارشی وجود ندارد. / گزینه «۲»: از متن می‌شود فهمید که معنای الفاظ «غریبه» و «غریب» همان بیگانه‌بودن است و بنابراین املای درستی هم دارند. / گزینه «۳»: محتوای کلی جمله درست است و این تصور را ایجاد می‌کند که «صفر» در ابتدای جمله همان عدد «صفر» است. اما چون حرکت‌گذاری ندارد، نمی‌توانیم مطمئن باشیم که منظور در لفظ «صفر» عدد باشد و شاید منظور ماه صفر باشد. در واقع مسئله اینجاست: اگر «صفر» را با سین بنویسیم، دیگر معنایش عدد نیست. (جمله غلط است زیرا اصلاً معنای صفر عدد نیست، بلکه یک ماه قمری است) اگر «صفر» را با سین بنویسیم، دیگر معنایش عدد نیست. (جمله درست است). / گزینه «۴»: بله معنای این دو کلمه با هم متفاوت است.

۱۵۱. **گزینه ۴** بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: ابهام در مرجع ضمیر / گزینه «۲»: نگارشی / گزینه «۳»: توسل به معنای ظاهری (لفظ سر) / گزینه «۴»: توسل به معنای ظاهری (دل و دماغ نداشتن)

۱۵۲. **گزینه ۲** اینکه در یک استدلال مشترک لفظی وجود داشته باشد، به خودی خود، مغالطه نیست. مغالطه زمانی روی می‌دهد که معانی متفاوت مشترک لفظی را با هم اشتباه بگیریم.

۱۵۳. **گزینه ۳** نمونه و مثال هر مفهومی مصداق آن مفهوم نامیده می‌شود.

۱۵۴. **گزینه ۲** افراد یا اشیائی که بر مفاهیم منطبق می‌شوند، مصادیق آن مفاهیم هستند.

۱۵۵. **گزینه ۴** هم مفهوم کلی و هم مفهوم جزئی می‌توانند بر مورد واقعی و بیرونی منطبق شوند؛ اما مفهوم جزئی فقط می‌تواند بر یک مورد منطبق شود؛ یعنی مفهوم جزئی نمی‌تواند بر بیش از یک مورد منطبق شود. تذکر: تنها مفاهیم کلی هستند که ممکن است جزئی از یک مفهوم کلی مرکب دیگر باشند.

۱۵۶. **گزینه ۱** مفهوم کلی این قابلیت را دارد که بر موارد متعددی منطبق شود؛ اما به این معنا نیست که هر مفهومی که کلی باشد، قطعاً دارای مصادیق متعدد بیرونی و واقعی نیز باشد.

۱۵۷. **گزینه ۲** اعلام (یا همان اسامی خاص) و مفاهیم دارای اسم اشاره، قطعاً جزئی هستند. البته ممکن است مفهومی جزئی باشد و هیچ‌کدام از این دو ویژگی را نداشته باشد.

۱۵۸. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: حضرت محمد (ص) چون اسم خاص است، جزئی است؛ اما گزینه‌های «۱» و «۳» وصف و لقب پیامبر هستند و کلی محسوب می‌شوند. گزینه «۲» نیز مفهوم کلی است.

۱۵۹. **گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: اسامی خاص مانند نام اشخاص و اماکن مختلف جزئی هستند. (رد گزینه‌های «۱» و «۲») اسامی اشاره نیز مفاهیم را جزئی می‌کنند. (رد گزینه «۴»)

۱۶۰. **گزینه ۳** در نسبت تباین، هیچ مصداق مشترکی وجود ندارد.

۱۶۱. **گزینه ۴** وقتی دایره مصادیق یک مفهوم درون دایره مصادیق مفهوم دیگری قرار بگیرد، آنگاه مفهوم دوم که دایره مصادیق بزرگ‌تری دارد، عام‌تر از مفهوم دیگر است؛ بنابراین نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.

۱۴۱. **گزینه ۲** در این مغالطه، فرد به جای درک دلالت تضمینی یا التزامی، دلالت مطابقی لفظ یعنی معنای ظاهری لفظ را در نظر می‌گیرد.

۱۴۲. **گزینه ۳** مراد گوینده از لفظ «دست به عصا باش» احتیاط کردن بود؛ یعنی دلالت التزامی را در نظر داشته است؛ ولی شنونده لفظ عصا را به معنای مطابقی آن درک کرده بود. بنابراین معنای ظاهری لفظ را در نظر گرفته بود که موجب بروز مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه «۱»: لفظ «شیر» می‌تواند موجب بروز مغالطه اشتراک لفظ شود. / گزینه «۲»: لفظ «ماه» می‌تواند موجب بروز مغالطه اشتراک لفظ شود. / گزینه «۴»: لفظ «فلک» و لفظ «ماه» می‌توانند موجب بروز مغالطه اشتراک لفظ شوند. الفاظ «کشته» و «خویش» نیز می‌توانند موجب بروز مغالطه نگارشی شوند.

۱۴۳. **گزینه ۲** در اینجا معلوم نیست که گوینده می‌خواهد بگوید از اینکه فرد دیگری را راهنمایی کرده پشیمان است یا از اینکه آن فرد، گوینده را راهنمایی کرده بوده. بنابراین مرجع ضمیر نامشخص است و مغالطه ابهام در عبارت یا ابهام در مرجع ضمیر رخ می‌دهد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه «۱»: قیمت نداشتن دو دلالت دارد: گران بودن و بدون قیمت و ارزش بودن. پس مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌تواند رخ دهد. / گزینه «۳»: کلمه «کمیاب» در اینجا دو معنای متفاوت دارد و اشتراک لفظ است. اولی به معنای کم‌تعداد بودن و دومی به معنای نظیر نداشتن از نظر جنس و کیفیت. / گزینه «۴»: روان‌شناسی در اینجا به دلالت مطابقی یعنی شناخت روان آدم‌ها گرفته شده ولی لفظ «روان‌شناسی» به یک علم خاص اشاره می‌کند و دلالت التزامی دارد؛ بنابراین مغالطه توسل به معنای ظاهری رخ داده است.

۱۴۴. **گزینه ۴** جهان خارج همان واقعیت بیرون از ذهن است؛ یعنی جایی که اشیا واقعاً وجود دارند. درمقابل این جهان، جهان ذهنی و زبانی قرار می‌گیرد.

**بررسی همه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: فریب ظاهر جمله را نباید بخوریم! درباره واقعیت صحبت نمی‌کند؛ بلکه درباره واقعی نبودن افکار یک نفر صحبت می‌کند. / گزینه «۲»: باز هم درباره تفاوت اندیشه‌ها و افکار حرف می‌زند. این ضرب‌المثل به تفاوت نگاه و تفکر عمیق و سطحی اشاره می‌کند. / گزینه «۳»: درباره معنای یک مفهوم حرف می‌زند. / گزینه «۴»: این گزینه از یک شیء خارجی؛ یعنی زمین و ویژگی آن در واقعیت صحبت می‌کند.

۱۴۵. **گزینه ۳** «موش شدن» در اینجا دلالت التزامی دارد و به معنای ترسیدن است. در سایر گزینه‌ها، موش به دلالت مطابقی به کار رفته است.

۱۴۶. **گزینه ۱** لفظ «دست» در عبارت «دست به دست کردن» نوعی کنایه است و دلالتش التزامی.

۱۴۷. **گزینه ۴** به ترتیب، واژه‌های «ساز»، «بند»، «بار» و «کشید» در سایر ابیات مشترک لفظی هستند؛ اما در این گزینه مشترک لفظی وجود ندارد.

۱۴۸. **گزینه ۲** دلالت التزامی؛ یعنی میان معنای اصلی و دلالت موجود یک رابطه وجود دارد (رد گزینه «۳»)، اما این معنا بیرون از معنای اصلی قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر، معنای مورد نظر در دلالت التزامی، در معنای اصلی لفظ وجود ندارد.

۱۴۹. **گزینه ۳** بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: دو برداشت متفاوت ایجاد می‌کند: یک آقا وارد شد که مهربان بود یا فامیلی‌اش مهربانی بود؟ پس ابهام در مرجع ضمیر دارد. / گزینه «۲»: ممکن است دلالت مطابقی را به جای تضمینی به کار بگیریم و مغالطه توسل به معنای ظاهری رخ دهد. / گزینه «۳»: درست است که لفظ شیر در این گزینه مشترک لفظی است؛ اما مشکل اصلی به دلیل مشخص نبودن

۱۶۲. **گزینه ۲** وقتی تمام مصادیق یک مفهوم مانند «الف»، مصادیق مفهوم دیگری مانند «ب» باشند، دو حالت پیش می‌آید: ۱. تمام مصادیق «ب» نیز مصادیق «الف» باشند (تساوی) و ۲. مفهوم «ب» مصادیق غیر از «الف» نیز داشته باشد. (عموم و خصوص مطلق)
۱۶۳. **گزینه ۴** مشترک لفظی نوعی لفظ است؛ پس نسبتشان عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا برخی الفاظ مشترک لفظی هستند و تمام مشترک‌های لفظی، لفظ محسوب می‌شوند.
۱۶۴. **گزینه ۴** بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: هر مغالطه‌ای خطای فکر است و برعکس؛ پس همه مصادیقشان مشترک است. / گزینه «۲»: برخی تفکرها تعریف هستند؛ پس مصادیق مشترک دارند. / گزینه «۳»: علم به دو دسته تصور و تصدیق تقسیم می‌شود؛ پس بعضی علم‌ها از نوع تصورند و این دو مفهوم مصادیق مشترک دارند. / گزینه «۴»: تصدیق و تصور از اقسام علم‌اند و اقسام یک مفهوم نسبت تباین دارند. دقت کنید که گرچه ممکن است هر تصدیقی دارای چند تصور باشد؛ اما این به معنای این نیست که بگوییم برخی تصدیق‌ها تصورند.
۱۶۵. **گزینه ۳** هر سمنانی‌ای ایرانی است؛ اما هر ایرانی‌ای لزوماً سمنانی نیست؛ پس میان این دو مفهوم نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: تباین / گزینه «۲»: تباین / گزینه «۴»: تباین
۱۶۶. **گزینه ۲** ممکن است کسی متولد مشهد باشد و در لندن زندگی کند. از طرف دیگر، بسیاری از ساکنان لندن متولد مشهد نیستند و بسیاری از متولدان مشهد نیز ساکن لندن نیستند؛ پس نسبت این دو مفهوم عموم و خصوص من‌وجه است؛ زیرا هم مصادیق مشترک دارند و هم مصادیق غیر مشترک.
۱۶۷. **گزینه ۴** اگر همه سنگ‌ها سفید بودند، آنگاه نسبت این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق می‌شد؛ زیرا در این حالت، «هر سنگی سفید بود»؛ ولی «برخی سفیدها سنگ نبودند»؛ یعنی همه مصادیق مفهوم سنگ، جزئی از مصادیق مفهوم سفید قرار می‌گیرد؛ ولی برخی مصادیق مفهوم سفید جزء مصادیق سنگ نبودند و مفهوم «سفید» عام‌تر از مفهوم «سنگ» بود.
۱۶۸. **گزینه ۱** در یک طبقه‌بندی درست، مفهوم ابتدایی، عام‌ترین مفهوم و انتهای خاص‌ترین است.
۱۶۹. **گزینه ۴** اقسام مختلف مفاهیم همواره با هم نسبت تباین دارند.
۱۷۰. **گزینه ۳** همیشه مفهومی که در طبقه بالایی قرار می‌گیرد، عام‌تر از مفهوم طبقه پایین خود است. به همین دلیل، میان دو مفهوم نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.
۱۷۱. **گزینه ۴** اقسام مختلف یک مفهوم همواره با هم نسبت تباین دارند. برای مثال، «سفید» و «قرمز» اقسام مختلف مفهوم «رنگ» هستند و می‌بینیم که با یکدیگر نسبت تباین دارند.
۱۷۲. **گزینه ۳** مباحث مفاهیم کلی و نسبت‌های چهارگانه در منطق، برای آشنایی با مباحث اقسام قضایا و مبحث تعریف ضروری‌اند.
۱۷۳. **گزینه ۱** معنی کلماتی که به فهم درمی‌آیند، همان مفاهیم هستند. مفهوم در واقع یک امر ذهنی است، نه یک لفظ یا مصادیق بیرونی.
۱۷۴. **گزینه ۲** بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: خودکار روی میز مصادیق است، نه مفهوم. / گزینه «۲»: معنایی که از لفظ انسان درک می‌کنیم، همان مفهوم است. / گزینه «۳»: معنای دفتر مفهوم است، نه مصادیق. / گزینه «۴»: مصادیق درخت همان درخت موجود در واقعیت است، نه در ذهن.
۱۷۵. **گزینه ۳** تمامی مفاهیمی که با اسم اشاره مشخص شده باشند، مفهوم جزئی محسوب می‌شوند؛ مثل مفهوم «این خیابان»؛ اما ضمایر ملکی هیچ ملاکی برای کلی یا جزئی بودن مفاهیم نیستند. برای مثال،
- مفهوم «خانه من» کلی است؛ زیرا ممکن است چند مصداق داشته باشد؛ درحالی که مفهوم «این خانه من» جزئی است؛ چون با وجود داشتن ضمیر ملکی، همراه با اسم اشاره آمده است.
۱۷۶. **گزینه ۳** لفظ «همین» اسم اشاره است و مفهوم را جزئی می‌کند.
۱۷۷. **گزینه ۳** مفاهیم جزئی قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارند؛ مانند مفهوم این گل‌دان
۱۷۸. **گزینه ۱** ممکن است مفهوم کلی هیچ مصادیقی در خارج نداشته باشد. مانند مفهوم لوبیای سحرآمیز
۱۷۹. **گزینه ۲** در درسنامه خواندیم که اسامی تمامی سیارات و ستاره‌ها، به‌جز خورشید و ماه جزئی هستند؛ زیرا خورشید یک مفهوم کلی است که در هر منظومه‌ای می‌تواند یک مصداق داشته باشد.
۱۸۰. **گزینه ۲** وقتی دو مفهوم مابین باشند، نسبتشان تباین است و هیچ مصادیق مشترکی ندارند.
۱۸۱. **گزینه ۱** در نسبت عموم و خصوص من‌وجه، هر مفهوم دارای مصادیقی است که مصادیق مفهوم دیگر نیز محسوب می‌شود و از طرف دیگر، هر مفهوم دارای مصادیقی است که مصادیق مفهوم دیگر محسوب نمی‌شود.
۱۸۲. **گزینه ۳** در نسبت تباین، هیچ مصادیق مشترکی وجود ندارد؛ ولی در سه نسبت دیگر، میان دو مفهوم، مصادیق مشترک وجود دارد.
۱۸۳. **گزینه ۳** هر تهرانی‌ای ایرانی است؛ اما نه برعکس؛ یعنی «برخی ایرانی‌ها تهرانی نیستند» (عموم و خصوص مطلق). برخی غیرایرانی‌ها فارسی‌زبانند و برخی غیرایرانی‌ها فارسی‌زبان نیستند. (عموم و خصوص من‌وجه)
۱۸۴. **گزینه ۴** هر شیئی با اجزای سازنده آن شیء نسبت تباین دارد؛ به عبارت دیگر، رابطه میان کل و اجزا را نباید با رابطه میان مفاهیم عام و خاص اشتباه بگیریم.
۱۸۵. **گزینه ۱** اگر بعضی «الف» «ب» نباشد؛ پس قطعاً نسبت این دو تساوی نیست؛ اما ممکن است سه حالت دیگر بینشان برقرار باشد. یا هیچ «الفی» «ب» نیست و نه فقط برخی «الف»، که در این حالت، نسبتشان تباین است. یا برخی «ب» نیز «الف» نیست که در این حالت، نسبتشان عموم و خصوص من‌وجه است. یا تمام «ب» «الف» است که در این حالت، نسبتشان عموم و خصوص مطلق است.
۱۸۶. **گزینه ۱** بررسی سایر گزینه‌ها: ویژگی «قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد» مختص مفاهیم کلی است. (رد گزینه‌های «۲» و «۴») فرض و گاه وجود مصادیق متعدد برای این مفاهیم محال نیست. (رد گزینه «۳»)
۱۸۷. **گزینه ۴** هر مفهومی یا کلی است یا جزئی؛ پس این دو مفهوم مصادیق مشترکی ندارند. به همین دلیل نسب آن‌ها تباین است.
۱۸۸. **گزینه ۱** خیلی دقت کنید! درست است که «آرد» یکی از اجزای سازنده «نان» است؛ اما آرد وقتی به نان تبدیل می‌شود، دیگر آرد نیست؛ به عبارت دیگر، میان اجزای سازنده یک شیء و خود شیء رابطه تباین برقرار است، نه عموم و خصوص مطلق؛ پس میان مفهوم «آرد» و «نان» نسبت تباین برقرار است.
۱۸۹. **گزینه ۲** برای مفهوم جزئی نمی‌شود مصادیق متعدد فرض کرد؛ یعنی فقط یک مصداق دارد. حال این مصداق ممکن است در واقعیت وجود داشته باشد یا اینکه اصلاً وجود نداشته باشد.

۱۹۰. **گزینه ۱** میان «در» و «دستگیره در» رابطه تباین برقرار است. چرا؟ چون «هیچ دری دستگیره نیست» و «هیچ دستگیره‌ای در نیست». در واقع دستگیره در یکی از اجزای سازنده در است؛ اما از نظر مفهومی، یک مفهوم کاملاً مباین با خود «در» است.
۱۹۱. **گزینه ۴** تفاوت اصلی مفهوم جزئی و کلی در امکان فرض مصادیق متعدد برای کلی و عدم این فرض برای مفهوم جزئی است.
۱۹۲. **گزینه ۱** این ویژگی مربوط به مفاهیم جزئی است، نه کلی.
۱۹۳. **گزینه ۲** برای مفهوم جزئی نمی‌توان بیش از یک مصداق فرض کرد. در ضمن، مفهوم جزئی همواره مفهوم است، نه لفظ. (رد گزینه «۱»)
۱۹۴. **گزینه ۳** کوه یک مفهوم کلی است و هر چقدر هم قید بگیرد، باز هم کلی می‌ماند.
۱۹۵. **گزینه ۴** مفاهیم ابن سینا، ارسطو و متافیزیک ارسطو چون اسم خاص هستند، جزئی محسوب می‌شوند. (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»)
۱۹۶. **گزینه ۳** تنها در این گزینه مفهوم «کتاب‌فروشی» دارای اسم اشاره است که باعث می‌شود، جزئی باشد.
۱۹۷. **گزینه ۳** وقتی می‌گوییم فرض مصادیق متعدد برای مفهوم کلی ممکن است؛ یعنی می‌تواند در ذهن مصادیق مختلفی داشته باشد؛ اما در واقعیت شاید این‌گونه نباشد.
۱۹۸. **گزینه ۱** ابن سینا، بوستان سعدی، سیندرلا و عباس کیارستمی مفاهیم جزئی محسوب می‌شوند.
۱۹۹. **گزینه ۱** برای مفهوم جزئی برخلاف کلی، فرض بیش از یک مصداق محال است.
۲۰۰. **گزینه ۲** همه گزینه‌ها نسبت تباین دارند؛ اما در گزینه «۲»، نسبت عموم و خصوص من‌وجه برقرار است؛ زیرا ممکن است یک فیلم هم کمدی باشد و هم ترسناک؛ پس این دو مفهوم مصداق مشترک دارند؛ اما مفاهیمی مثل «سفیدی و زردی» کاملاً با هم مباین هستند.
- تذکر: ممکن است یک شیء هم زرد باشد و هم سفید. مثل مفهوم «تخم مرغ»؛ بنابراین اگر در گزینه‌ها گفته شده بود «شیء زرد و شیء سفید» آنگاه نسبت این دو مفهوم عموم و خصوص من‌وجه بود.
۲۰۱. **گزینه ۴** وقتی برخی ب الف نیست و برخی الف هم ب نیست، یعنی هر کدام از دو مفهوم، دارای مصادیقی هستند که جزء مصادیق دیگری قرار نمی‌گیرند؛ پس رابطه آن‌ها عموم و خصوص من‌وجه می‌شود نه مطلق.
۲۰۲. **گزینه ۱** مفهوم دماوند یک مفهوم جزئی است و نمی‌تواند با یک مفهوم دیگر نسبت عموم و خصوص مطلق داشته باشد.
۲۰۳. **گزینه ۴** هر دانشجویی قطعاً دیپلمه است؛ اما برخی دیپلمه‌ها دانشجوی نیستند. پس میانشان نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است. گزینه‌های «۱» و «۲» نیز تباین‌اند. در درسنامه گفتیم که میان اجزای یک شیء و خود شیء نسبت تباین برقرار است نه عموم و خصوص مطلق. گزینه «۳» هم دارای مفهوم جزئی است و نمی‌تواند هیچ کدام از نسبت‌های چهارگانه را داشته باشد.
۲۰۴. **گزینه ۲** در طبقه‌بندی مفاهیم همواره اقسام یک مفهوم که در یک طبقه قرار می‌گیرند، دارای نسبت تباین هستند.
۲۰۵. **گزینه ۴** میان دو مفهوم «مهندسی و پزشکی» قطعاً نسبت تباین برقرار است؛ زیرا شغل مهندسی یک چیز است و شغل پزشکی یک چیز دیگر؛ اما به دو مفهوم «مهندس و پزشک» خیلی باید دقت کنیم. ببینید! این دو مفهوم می‌تواند مصداق مشترک داشته باشند. مثلاً فردی باشد که پزشک است و از قضا مهندس هم هست؛ پس نسبت این دو عموم و خصوص من‌وجه می‌شود.
۲۰۶. **گزینه ۴** بهمن اول چون اسم خاص است جزئی و بهمن دوم چون ماه بهمن است و مصادیق مختلفی دارد، کلی است.
۲۰۷. **گزینه ۲** هر دو مفهوم کلی محسوب می‌شوند؛ زیرا برای هر دو می‌توان مصادیق مختلفی فرض کرد.
۲۰۸. **گزینه ۱** برخی مفاهیم کلی، با اینکه می‌توان مصادیق مختلفی برایشان فرض کرد؛ اما فقط یک فرد خارجی دارند. مثل مفهوم مولود کعبه
۲۰۹. **گزینه ۲** اگر نسبت دو کلی تساوی یا تباین باشد، دو تصدیق شکل می‌گیرد. اگر عموم و خصوص مطلق باشد، سه تصدیق و اگر عموم و خصوص من‌وجه باشد، چهار تصدیق شکل خواهد گرفت.
۲۱۰. **گزینه ۲** تصور ذهنی همان مفهوم است. (رد گزینه‌های «۲» و «۴») نسبت‌های چهارگانه را باید در مقایسه دو تصور کلی بررسی کنیم.
۲۱۱. **گزینه ۴** برخی لباس‌ها سفیدند و برخی لباس‌ها سفید نیستند. برخی سفیدها لباس‌اند و برخی سفیدها لباس نیستند؛ پس عموم و خصوص من‌وجه است. هر قرمزی رنگ است؛ اما هر رنگی قرمز نیست. (عموم و خصوص مطلق)
۲۱۲. **گزینه ۳** وقتی دایره مصادیق یک مفهوم کاملاً درون دایره مصادیق مفهوم دیگری قرار بگیرد، نسبت آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. مثل حیوان و جسم که دایره مصادیق حیوان درون دایره مصادیق جسم قرار می‌گیرد.
۲۱۳. **گزینه ۴** در یک طبقه‌بندی درست، نسبت میان مفاهیم زیرین با مفهوم بالادستی باید عموم و خصوص مطلق باشد. برخی کارمندان و کارگران بیمه ندارند یا روزمزد نیستند یا متخصص محسوب نمی‌شوند. پس رابطه دو مفهوم «کارگر» و «کارمند» با هیچ کدام از این سه گزینه، عموم و خصوص مطلق نیست. اما «دارای شغل» قطعاً با این دو مفهوم نسبت عموم و خصوص مطلق دارد.
۲۱۴. **گزینه ۴** در طبقه‌بندی مفاهیم، مفهوم بالاتر باید عام‌تر از مفهوم پایین‌تر باشد. پس ما باید به ترتیب در گزینه‌ها دنبال مفاهیمی باشیم که میانشان نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار باشد. بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: دیپلمه با دو مفهوم دیگر نسبت تباین دارد. / گزینه «۲»: مفهوم خانواده با هر دو مفهوم دیگر نسبت تباین دارد. / گزینه «۳»: هر سه مفهوم با هم نسبت تباین دارند. / گزینه «۴»: کیفیت عام‌تر از رنگ و رنگ عام‌تر از نارنجی است. پس طبقه‌بندی درست است.
۲۱۵. **گزینه ۱** دوچرخه و رکاب با هم نسبت تباین دارند. دقت کنید که رکاب یک مفهوم متفاوت از دوچرخه است گرچه جزئی از دوچرخه محسوب می‌شود. در میان گزینه‌ها نیز تنها روز و شب نسبت تباین دارند.
۲۱۶. **گزینه ۳** وقتی دو مفهوم داریم که همه مصادیق یکی جزئی از مصادیق دیگری است، پس قطعاً نسبت تباین و عموم و خصوص من‌وجه ندارند. بلکه یا تساوی دارند یا عموم و خصوص مطلق.
۲۱۷. **گزینه ۲** چون یکی از قضایا گفته «هر ب ج است»، باید به دنبال شکلی باشیم که «ب» کاملاً درون «ج» قرار گرفته باشد یا با هم مساوی باشند. با رجوع به گزینه‌ها می‌بینیم که تنها در یک گزینه این حالت وجود دارد و همین گزینه هم جواب خواهد بود.
۲۱۸. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: وقتی هیچ مصداق مشترکی ندارند، تباین دارند. (رد گزینه‌های «۳» و «۴») اگر از یک جهت عم و از جهت دیگر اخص باشند، نسبتشان عموم و خصوص من‌وجه است. (رد گزینه‌های «۱» و «۴») در عموم و خصوص مطلق سه تصدیق و در عموم و خصوص من‌وجه، چهار تصدیق شکل می‌گیرد.
۲۱۹. **گزینه ۲** مثنوی و غزل تباین دارند؛ زیرا هیچ غزلی مثنوی نیست و هیچ مثنوی‌ای هم غزل نیست. تعریف و استدلال هم از بخش‌های منطوق‌اند که مصداق مشترکی ندارند؛ پس این دو نیز تباین دارند.

۲۲۰. **گزینه ۱** وقتی یک مفهوم کلی باشد، همواره فرض وجود مصادیق متعدد برایش ممکن است؛ اما برخی مفاهیم کلی نمی‌توانند بیش از یک مصداق در خارج داشته باشند. مثلاً تنها فرزند آقای زندی، فقط یک نفر می‌تواند باشد؛ اما می‌توان افراد مختلفی را فرض کرد که تنها فرزند آقای زندی باشند.
۲۲۱. **گزینه ۱** اگر دو مفهوم مصداق مشترک داشته باشند، سه حالت ممکن است پیش آید: ۱. تساوی ۲. عموم و خصوص مطلق و ۳. عموم و خصوص من‌وجه. در تباین نیز هیچ مصداق مشترکی وجود ندارد.
۲۲۲. **گزینه ۴** وقتی دو مفهوم مصداق مشترک دارند، اولاً به این معناست که آن دو مفهوم کلی هستند و ثانیاً به این معناست که یکی از سه نسبت تساوی، عموم و خصوص مطلق و من‌وجه میانشان برقرار است.
۲۲۳. **گزینه ۴** «اشتراک لفظ» یکی از اقسام مغالطه است؛ پس نسبتشان عموم و خصوص مطلق است. تصور و تصدیق نیز اقسام علم‌اند و نسبتشان تباین است.
۲۲۴. **گزینه ۳** چون نمی‌دانیم کدام مفهوم عام‌تر است؛ پس نمی‌شود معلوم کرد که کدام یک از دو مفهوم مصادیقی غیر از دیگری دارد (عام‌تر است) و کدام مفهوم مصادیقی غیر از دیگری ندارد (خاص‌تر است)؛ پس گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» رد می‌شوند؛ اما در هر حالتی قطعاً برخی مصادیق «الف» جزء «ب» است و برخی مصادیق «ب» نیز جزء مصادیق «الف» است.
۲۲۵. **گزینه ۳** چون در این گزینه لفظ «رود» مورد نظر گوینده است؛ پس «رود» جزئی محسوب می‌شود.
۲۲۶. **گزینه ۴** «سبز» و «گیاه» نسبت من‌وجه دارند؛ زیرا «بعضی گیاهان سبز نیستند» و «بعضی سبزه‌ها گیاه نیستند»؛ پس در گزینه‌ها باید به‌دنبال دو مفهوم باشیم که نسبتشان من‌وجه باشد:  
بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: مطلق / گزینه «۲»: مطلق / گزینه «۳»: مطلق / گزینه «۴»: من‌وجه
۲۲۷. **گزینه ۴** نسبت میان آجر و جسم، عموم و خصوص مطلق است؛ اما نسبت میان آجر با مکعب مستطیل و جسم با مکعب مستطیل، تباین است؛ زیرا مکعب مستطیل از اساس جسم نیست؛ بلکه شکل است.
۲۲۸. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: مفهوم و تصور در واقع یک چیزند و نسبتشان تساوی است. (رد گزینه «۱») لفظ و مفهوم نیز نسبتشان تباین است. (رد گزینه «۴») جزئی نیز از اقسام مفهوم است و نسبتشان عموم و خصوص مطلق است (رد گزینه «۳»)؛ اما نسبت من‌وجه وجود ندارد.
۲۲۹. **گزینه ۱** هیچ عموم و خصوص مطلق، عموم و خصوص من‌وجه نیست و بالعکس؛ پس نسبتشان تباین است.
۲۳۰. **گزینه ۱** قناری که معلوم است کلی است. حال برویم سراغ مفهوم «کره ما». این مفهوم نیز کلی است؛ زیرا می‌توان برایش مصادیق مختلفی فرض کرد، گرچه کره ما در واقعیت همان زمین است. قفس‌ها و چینه‌دان نیز کلی محسوب می‌شوند.
۲۳۱. **گزینه ۳** هر سه دایره موجود در سؤال، یک قسمت مشترک با دو دایره دیگر دارند؛ یعنی برخی مصادیق هر سه مشترک‌اند؛ پس باید سه مفهومی را بیابیم که دست‌کم یک مصداق مشترک با دو دایره دیگر داشته باشد.
- بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: شکل و مربع نسبت عموم و خصوص مطلق دارند نه من‌وجه. پنجره نیز نسبتش با این دو تباین است. / گزینه «۲»: هیچ فلزی چوب نیست و بالعکس؛ پس نسبت آن‌ها تباین است. / گزینه «۳»: برخی پرنده‌ها سیاه‌اند و بالعکس، برخی پرنده‌ها گوشتخوارند و بالعکس برخی سیاه‌ها نیز گوشتخوارند و بالعکس؛ پس ما می‌توانیم پرنده‌ای را تصور کنیم که سیاه و گوشتخوار باشد؛ در نتیجه این گزینه با شکل مطابقت دارد. / گزینه «۴»: چون هر بنزینی مایع است؛ اما هر مایعی بنزین نیست، نسبتشان مطلق است.
۲۳۲. **گزینه ۳** وقتی از یک موجود صحبت می‌کنیم، از مفهوم جزئی حرف می‌زنیم؛ پس اجزاء آن نیز هر کدام یک موجود واقعی و در نتیجه جزئی هستند.
۲۳۳. **گزینه ۱** در طبقه‌بندی مفاهیم، ما وجوه افتراق و اشتراک میان مفاهیم را مشخص می‌کنیم. این طبقه‌بندی مفاهیم مخصوص مفاهیم کلی است (رد گزینه ۲) و کاری به مصادیق ندارد. (رد گزینه «۴») در ضمن، مفاهیم موجود در یک طبقه نسبتشان تباین است، نه تساوی.
۲۳۴. **گزینه ۴** اقسام مختلف یک مفهوم باید نسبت تباین داشته باشند؛ وگرنه در یک طبقه قرار نمی‌گرفتند.
۲۳۵. **گزینه ۴** مفاهیم هم‌طبقه باید نسبتشان تباین باشد؛ یعنی مصداق مشترک نداشته باشند. (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳») وقتی در دو طبقه مختلف قرار می‌گیرند، مفهوم عام‌تر که در طبقه بالاست، مصادیق بیشتری دارد.
۲۳۶. **گزینه ۲** اگر مفهومی در خارج مصادیقی نداشته باشد. هم می‌تواند مانند مفهوم مربع دایره، کلی باشد و هم مانند یک شخصیت داستانی معروف، جزئی باشد؛ پس برخی مفاهیم کلی مصادیقی در خارج ندارند و برخی مفاهیم کلی مصداق خارجی دارند و از طرف دیگر، برخی مفاهیم بدون مصداق خارجی کلی هستند و برخی از آن‌ها کلی نیستند؛ در نتیجه نسبت این دو عموم و خصوص من‌وجه است.
۲۳۷. **گزینه ۴** اینکه بتوانیم ثابت کنیم دو مفهوم نسبتشان تباین است؛ یعنی ثابت کرده‌ایم که هیچ مصداق مشترکی ندارند.
۲۳۸. **گزینه ۲** در یک طبقه‌بندی درست، مفاهیم موجود در یک طبقه با هم نسبت تباین دارند و میان هیچ‌کدام نباید نسبت عموم و خصوص مطلق یا تساوی یا من‌وجه برقرار باشد. حال گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم: گزینه «۱»: آجر جسم است و خودش یک جسم مکعب مستطیل است. / گزینه «۲»: هر سه مفهوم نسبت تباین دارند و در زیر مفهوم شکل قرار می‌گیرند. پس طبقه‌بندی درست است. / گزینه «۳»: جاندار با انسان و حیوان نسبت عموم و خصوص مطلق دارد. / گزینه «۴»: گیاه با درخت و علف نسبت عموم و خصوص مطلق دارد.
۲۳۹. **گزینه ۱** فقط مفهوم ایران یک اسم خاص و جزئی است. حتی «نظام جمهوری اسلامی» نیز مفهومی کلی است که می‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد.
۲۴۰. **گزینه ۴** میان «اهل کرمان» و «داوطلب کنکور» رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار است؛ زیرا برخی داوطلبان کنکور اهل کرمان هستند و برخی نیستند و برخی از اهالی کرمان داوطلب کنکورند و برخی نیستند. پس باید به‌دنبال عموم و خصوص من‌وجه باشیم.  
بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: عموم و خصوص مطلق / گزینه «۲»: عموم و خصوص مطلق / گزینه «۳»: عموم و خصوص مطلق / گزینه «۴»: عموم و خصوص من‌وجه
۲۴۱. **گزینه ۱** خوب! صورت سؤال کمی مبهم است و معلوم نیست مفاهیم را باید چگونه در نظر بگیریم. مثلاً باید «توریست» و «آلمانی» را جدا در نظر بگیریم یا با همدیگر، مفهوم «توریست آلمانی» را در نظر بگیریم. اما با توجه به کلید سازمان سنجش معلوم می‌شود که باید این دو را یک مفهوم بگیریم.  
حالا می‌رویم سراغ کشف تک‌تک مفاهیم: «یک توریست آلمانی»، «عکاس»، «خبرنگار»، «زاده مادری اصفهانی» و «دیروز به اصفهان آمده» همگی مفاهیم کلی هستند و همگی با هم نسبت عموم و خصوص من‌وجه دارند.



یعنی نسبت میان «الف» با تمامی مفاهیم دیگر، عموم و خصوص مطلق است. / گزینه «۳»: بله این دو هم طبقه‌اند و فاقد مصداق مشترک. / گزینه «۴»: بله این دو هم طبقه‌اند و فاقد مصداق مشترک.

۲۴۷. **گزینه ۴** احتمالاً فکر کرده بودید که پاسخ عموم و خصوص مطلق است؛ اما این طور نیست. عبارت از اجزای یک مفهوم صحبت می‌کند، نه از اقسام مفهوم. اقسام مفهوم نسبت عموم و خصوص مطلق دارند. مثل نسبت اسب و حیوان که اسب از اقسام حیوان است؛ اما نسبت اجزاء با خود مفهوم نسبت تباین است؛ زیرا هیچ اتمی الکترون نیست و هیچ الکترونی اتم نیست.

۲۴۸. **گزینه ۲** اگر پیچیدگی ظاهری عبارت را کنار بگذاریم، می‌بینیم که عبارت می‌گوید بعضی ایرانی‌ها فارسی‌زبان نیستند و بعضی غیرایرانی‌ها فارسی‌زبان هستند. پس نسبت من‌وجه میان این دو وجود دارد.

۲۴۹. **گزینه ۳** ادعای شیوا فقط این است که هر گیاهی سبز است؛ ولی نگفته هر سبزی هم گیاه است؛ پس با عموم و خصوص مطلق نمی‌شود ادعای او را رد کرد. با نسبت تساوی هم نمی‌شود؛ اما از طرف دیگر، امین ادعا کرده که نسبت این دو تباین است؛ زیرا اگر بگوییم هیچ گیاهی سبز نیست، هم‌زمان ادعا کرده‌ایم که هیچ سبزی گیاه نیست؛ پس با تباین ادعای او تأیید می‌شود، نه رد؛ اما اگر ثابت کنیم نسبت این دو مفهوم من‌وجه است، ادعای هر دو طرف رد شده؛ زیرا نسبت من‌وجه یعنی چهار تصدیق زیر:

بعضی گیاهان سبزند. (رد ادعای امین) بعضی گیاهان سبز نیستند. (رد ادعای شیوا) بعضی سبزه‌ها گیاه‌اند و بعضی سبزه‌ها گیاه نیستند.

۲۵۰. **گزینه ۳ بررسی همه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: درست است که بعضی «الف» «ب» است؛ اما شاید همه «ب» «الف» باشد و نسبتشان عموم و خصوص مطلق. / گزینه «۲»: درست است که نسبت تساوی نیست؛ اما اگر نسبتشان عموم و خصوص مطلق و مفهوم «ب» عام‌تر باشد، آنگاه هر «الف» «ب» خواهد بود. / گزینه «۳»: بله اگر نسبت دو مفهوم «الف» و «ب» من‌وجه باشد، قطعاً بعضی «الف» «ب» نیست. / گزینه «۴»: در این حالت نسبتشان مطلق است، نه من‌وجه.

۲۵۱. **گزینه ۳** در درس اول یاد گرفتیم که پرسش از چیستی، دربارهٔ تصورات مطرح می‌شود. در این درس هم یاد گرفتیم که تصورات یا مفاهیم، توسط تعریف معلوم می‌شوند. برای تعریف یک تصور یا مفهوم نیز باید از تصورات شناخته‌شده و معلوم استفاده کنیم.

۲۵۲. **گزینه ۴** تعریف در علوم مختلف برای روشن کردن اصطلاحات تخصصی آن‌ها بسیار کاربرد دارد و همین امر نشان‌دهندهٔ اهمیت تعریف است.

۲۵۳. **گزینه ۳** در بحث و گفت‌وگوهای دوفره، داشتن تعریفی مشترک از یک مطلب، اهمیت فراوانی دارد.

۲۵۴. **گزینه ۳** در تعریف مفهومی، از مثال و مصداق استفاده نمی‌شود (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). بلکه از مفاهیم استفاده می‌کنیم تا مشابهت و تفاوت مفهوم مجهول با مفاهیم دیگر را مشخص کنیم. در تعریف مفهومی ابتدا مفهوم عام می‌آید تا مشابهت مشخص شود و سپس مفهوم خاص تا تمایز و تفاوت مجهول با دیگر مفاهیم مشخص شود.

۲۵۵. **گزینه ۱** تعریف مفهومی با مفاهیم و تصورات سروکار دارد نه مصداق و نمونه

۲۵۶. **گزینه ۴** تعریف چیستی تصور و مفهوم را مشخص می‌کند.

۲۵۷. **گزینه ۴** در تعریف مفهومی، مفاهیم از عام به خاص مرتب می‌شوند؛ ولی هیچ‌گاه در چنین تعریفی از مفاهیم جزئی استفاده نمی‌شود.

۲۵۸. **گزینه ۳** در تعریف لغوی گاهی ریشهٔ معنایی یک کلمه را نیز مشخص می‌کنیم.

۲۴۲. **گزینه ۴** چون بعضی الف‌ها ب هستند، رابطهٔ «الف» و «ب» قطعاً تباین نیست و چون بعضی الف‌ها ب نیستند، رابطهٔ آن‌ها قطعاً تساوی هم نیست (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). حالا چون می‌دانیم بعضی الف‌ها ب هستند، پس قطعاً بعضی «ب‌ها» هم «الف» هستند. یعنی این رابطه دست‌کم عموم و خصوص من‌وجه است؛ اما چون معلوم نیست که همهٔ «ب‌ها» «الف» هستند یا فقط برخی «ب‌ها» «الف» هستند، رابطه ممکن است عموم و خصوص مطلق باشد یا نباشد. به عبارت دیگر، می‌دانیم که «الف‌ها» برخی‌شان «ب» هستند و برخی‌شان «ب» نیستند. اما نمی‌دانیم همهٔ «ب‌ها» «الف» هستند (عموم و خصوص مطلق) که الف مفهوم عام‌تر است) یا اینکه فقط برخی «ب‌ها» «الف» هستند (رابطه‌شان عموم و خصوص من‌وجه است). پس هر دو حالت ممکن است (رد گزینه «۱»)

۲۴۳. **گزینه ۱** برخی مفاهیم کلی مانند «آفریدگار عالم» یا «تنها پیراهن او» فقط می‌توانند یک مصداق واقعی داشته باشند؛ اما در ذهن می‌توان برایشان مصداق متعددی فرض کرد. درواقع تعداد مصداق واقعی، معیاری برای تشخیص کلی و جزئی نیست.

۲۴۴. **گزینه ۳** چون برخی از الف ب است و برخی ب الف است، پس قطعاً رابطهٔ تباین میانشان نیست (رد گزینه «۴»). اما هر سه حالت باقی‌مانده می‌تواند میان آن‌ها برقرار باشد. چرا؟ چون وقتی می‌گوییم «برخی الف ب است»، ممکن است «همهٔ الف‌ها هم ب باشند» و وقتی می‌گوییم «برخی ب الف است» باز ممکن است همهٔ ب‌ها الف باشند که در این حالت، تساوی بینشان خواهد بود.

از طرف دیگر، اگر فقط یکی از دو مفهوم «الف» و «ب» مصداق دیگری غیر از مفهوم مقابلشان داشته باشند، رابطه‌شان عموم و خصوص مطلق می‌شود و اگر هر دو مفهوم، مصداق غیر از دیگری هم داشته باشند، رابطه‌شان، عموم و خصوص من‌وجه می‌شود:

عموم و خصوص من‌وجه: «برخی الف ب است» و «برخی الف ب نیست» و «برخی ب الف است» و «برخی ب الف نیست»

عموم و خصوص مطلق: حالت اول که «الف» مفهوم عام است: «برخی الف ب است» و «برخی الف ب نیست» و «برخی الف ب نیست» و «هر ب الف است».

حالت دوم که «ب» مفهوم عام است: «هر الف ب است» و «برخی ب الف است» و «برخی ب الف نیست»

تذکره: در علم منطق، اگر بگوییم «برخی الف ب است» به این معنا نیست که «هر الف ب است» نادرست باشد. مثلاً وقتی می‌دانیم «هر درختی نوعی گیاه است» می‌توانیم بگوییم «برخی درختان نوعی گیاه هستند» و هر دو قضیه درست و صادق هستند.

۲۴۵. **گزینه ۴** وقتی در پاسخ به این سؤال که «آیا همهٔ مصداق «الف» جزء مصداق «ب» محسوب می‌شوند؟» می‌گوییم «بله»، درواقع گفته‌ایم که مفهوم «الف» هیچ مصداقی غیر از مفهوم «ب» ندارد. در این حالت، نسبت این دو مفهوم یا تساوی است و یا عموم و خصوص مطلق؛ پس نمی‌تواند میان این دو مفهوم نسبت تباین یا عموم و خصوص من‌وجه برقرار باشد.

۲۴۶. **گزینه ۱** «ت» از اقسام «ب» نیست؛ بلکه از اقسام «پ» است؛ پس نسبتشان تباین است، نه عموم و خصوص مطلق. یک‌جور دیگر هم می‌شود این مسئله را بررسی کرد. می‌دانیم که مفاهیم موجود در یک طبقه نسبت تباین دارند؛ یعنی نسبت میان «ب» و «پ» تباین است. حالا وقتی نسبت پ با ب تباین باشد، قطعاً نسبت اقسام مفاهیم پ نیز با ب تباین خواهد بود. مثلاً «رنگ» یا «طعم» نسبت تباین دارد؛ پس «قرمز» هم با «طعم» نسبت تباین دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: براساس صورت سؤال می‌فهمیم که الف در یک طبقه، «ب» و «پ» در طبقهٔ دیگر و «ت» و «ث» در طبقهٔ زیرین «پ» قرار گرفته‌اند؛ پس تعداد مصداق «الف» از همه بیشتر است؛

## خدا در فلسفه (۲)

### درس نهم

در درس قبل توانستیم دیدگاه‌های فیلسوفان باستان و برخی فیلسوفان دورهٔ جدید اروپا را دربارهٔ خدا بررسی کنیم. در این بررسی‌ها، سعی کردیم رابطهٔ میان رویکرد معرفت‌شناسی فیلسوفان با فداشناسی را هم نشان دهیم. حال نوبت می‌رسد به فیلسوفان مسلمان. در این درس، استدلال سه فیلسوف بزرگ مسلمان؛ یعنی فارابی، ابن‌سینا و ملاصدرا را مطرح و سعی می‌کنیم ظرافت‌های استدلال‌هایشان را نیز تحلیل کنیم.

### ایران باستان

از دورهٔ ایران باستان آثار مدوّن و مکتوب چندانی به دست ما نرسیده است؛ اما از همان چیزهایی که باقی مانده و حرف‌هایی که سهروردی دربارهٔ حکمت و اندیشه در یونان باستان زده است، می‌شود فهمید که حکیمان دورهٔ ایران باستان، جهان را مخلوق خداوندی حکیم دانسته‌اند. این حکیمان، علاوه بر حکمت، با عرفان نیز آشنا بوده‌اند. سهروردی چند نکتهٔ مهم دربارهٔ دیدگاه حکیمان ایران باستان می‌گوید:

از مبدأ هستی، شناخت کاملی داشته‌اند.  
خداوند را «نور هستی» می‌دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده‌ها را ظاهر و خلق می‌کند.  
از مخلوقات خداوند به «پرتو» و «اشراق» خدا تعبیر می‌کردند.  
اولین مخلوق را «بهمن» می‌نامیدند که وجودی مجرد دارد.  
خداوند را نورالانوار می‌نامیدند.

**دیدگاه حکیمان ایران  
باستان دربارهٔ خدا (بر مبنای  
گزارش‌های سهروردی):**

### تفاوت فیلسوف و غیرفیلسوف در بحث خدا

خیلی‌ها فکر می‌کنند فیلسوف کسی است که به خدا اعتقاد ندارد یا اگر هم معتقد است، نمی‌تواند دین مشخصی داشته باشد؛ اما این‌گونه نیست. فیلسوف می‌تواند مسلمان، مسیحی، یهودی یا پیرو هر دین دیگری باشد. خیلی‌ها هم فکر می‌کنند، فیلسوفی که دین‌دار است، وقتی دربارهٔ خدا صحبت می‌کند، دیگر نگاه، بحث و کلامش فلسفی نیست، بلکه اعتقادی و دین‌دارانه است. این حرف نیز نادرست است؛ زیرا موضوع بحث مشخص‌کنندهٔ فلسفی یا غیرفلسفی بودن یک مطلب نیست. در فلسفهٔ سال یازدهم، خواندیم که فیلسوفان وارد هر شاخه‌ای از دانش می‌شوند و دربارهٔ تمامی مباحث و باورهای زندگی نیز بحث می‌کنند؛ اما با روش فلسفی. از همین جا معلوم می‌شود که:

فیلسوف کسی نیست که دین و آیین نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده‌ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیدهٔ خود دفاع می‌کند.

پس فیلسوف می‌تواند دین‌دار باشد و دربارهٔ خدا و سایر موضوعات دینی از طریق عقل و استدلال صحبت کند؛ یعنی آنچه را باور کند که از طریق استدلال اثبات شود و آنچه را به دیگران می‌گوید با زبان استدلالی مطرح کند. به همین دلیل می‌گویند بحث از خدا در فلسفه همراه با برهان و استدلال طرح می‌شود. البته فیلسوف ممکن است خیلی وقت‌ها هم حرف‌هایش دربارهٔ خدا و دین غیرفلسفی باشد. پس به‌هرحال، ملاک فلسفی بودن یک بحث و کلام، عقلی و استدلالی بودن آن است و نه موضوع بحث.

بحث یک فیلسوف دربارهٔ خدا تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه؛ یعنی استدلال عقلی محض تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به‌صورت استدلالی عرضه کند.

به همین دلیل است که به‌جای دو اصطلاح دینی «خدا» و «الله»، معمولاً فیلسوفان مسلمان از اصطلاحاتی مثل «واجب‌الوجود بالذات»، «مبدأ هستی» و «علت نخستین» استفاده می‌کنند.

### اثبات وجود خدا از طریق عقل و استدلال

می‌دانیم که در فلسفهٔ دورهٔ جدید اروپا، تجربه‌گرایی دیدگاه و جریان غالب و مسلط است و به همین دلیل، بسیاری از فیلسوفان اروپایی از هیوم گرفته تا اوگوست کنت و کرگور، معتقد بودند که وجود خدا را نمی‌توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد.

از طرف دیگر، در فلسفهٔ سال یازدهم خواندیم که فیلسوفان مسلمان، برای عقل، تجربه و شهود، به‌عنوان ابزارهای شناخت، اعتبار قائل‌اند و به همین دلیل، می‌توانند از این ابزار شناختی برای رسیدن به معرفت استفاده کنند. به عبارت دیگر، چون عموم فیلسوفان مسلمان برای عقل محض، اعتبار قائل‌اند. از فارابی تا ملاصدرا فیلسوفان معاصر، همگی معتقدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان‌پذیر است. همین امر باعث شده که در تاریخ فلسفهٔ اسلامی، هر کدام از فیلسوفان تلاش کنند تا با بیانی بسیار دقیق، استدلال‌های مطرح شده را توضیح دهند یا استدلالی جدید و در عین حال دقیق و منطقی ارائه کنند.

## ریشه‌های فلسفی

در فلسفه غرب، فیلسوفان عقل‌گرایی مثل دکارت، مانند فیلسوفان مسلمان به استدلال و برهان عقلی متوسل می‌شدند. در فلسفه باستان نیز، ارسطو و افلاطون می‌کوشیدند توسط عقل محض خدا را اثبات کنند.

### سینا؟ جیمز

در کدام گزینه همه فیلسوفان نام‌برده به امکان استدلال عقلی برای اثبات وجود خدا معتقدند؟

- (۱) کانت، هیوم، ابن‌سینا و فارابی  
(۲) ملاصدرا، ابن‌سینا، فارابی و جیمز  
(۳) ابن‌سینا، ملاصدرا، دکارت و فارابی  
(۴) جیمز، کرگور، ابن‌سینا و ملاصدرا

**پاسخ:** یاد گرفتیم که فیلسوفان مسلمان، همگی معتقدند می‌شود وجود خدا را از طریق استدلال عقلانی اثبات کرد. پس باید برویم سراغ فیلسوفان غربی. در درس پنجم دانستیم که از میان فیلسوفان غربی، دکارت از استدلال عقلانی استفاده کرد تا خدا را اثبات کند. هیوم مخالف اعتبار استدلال عقلانی بود و امثال جیمز، برگسون و کرگور نیز به‌جای اثبات عقلانی خدا، از تجربیات معنوی شخصی و درونی و رابطه اعتقاد به خدا و معناداری زندگی صحبت کرده بودند. بنابراین، گزینه «۳» پاسخ است.

## فارابی

فارابی یکی از اولین فیلسوفان مسلمان است که برای اثبات وجود خدا، برهان ارائه کرده است. برهان فارابی ویژگی‌های خاصی دارد. اولاً بر یک اصل فلسفی به نام «تقدم علت بر معلول» استوار است و ثانیاً در خود برهان، اصل فلسفی دیگری به نام «بطلان تسلسل علل نامتناهی» را اثبات می‌کند. به همین دلیل، بهتر است ما اول این دو اصل را بفهمیم و یاد بگیریم و سپس برهان فارابی را بخوانیم.

### اصل تقدم علت بر معلول

در درس سوم، خیلی کامل با بحث علت آشنا شدیم. این اصل فلسفی هم از همان اصل علت بیرون می‌آید. در آنجا گفتیم که اگر معلول وجود دارد، قطعاً علت آن نیز وجود خواهد داشت. حال فرض کنید چیزی به اسم «ب» وجود دارد و این «ب»، یک معلول است. حالا به نظر شما آیا امکان دارد که علت «ب» که «الف» است، هنوز موجود نشده باشد؟ مشخص است که پاسخ ما منفی است؛ یعنی:

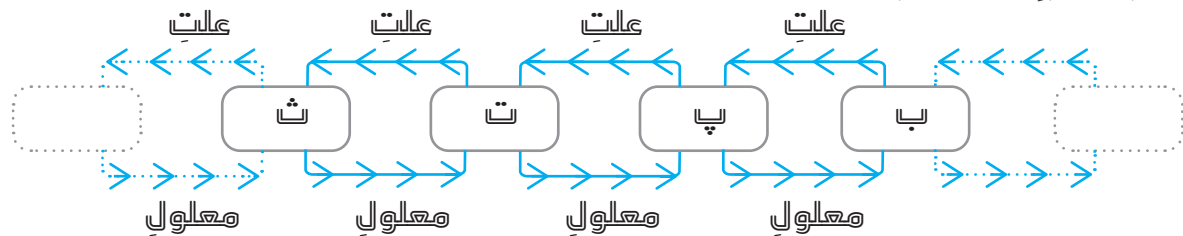
وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول، مشروط بر وجود علت است.

به این اصل فلسفی می‌گویند تقدم علت بر معلول.

## ریشه‌های فلسفی

تفاوت تقدم وجودی و زمانی: در بحث علت فهمیدیم که به محض وجود علت، معلول پدید می‌آید. حال در اینجا از تقدم علت بر معلول صحبت می‌کنیم! ببینید، منظور از تقدم در اینجا تقدم زمانی نیست؛ زیرا علت و معلول هم‌زمان پدید می‌آیند. تقدم در اینجا عقلی و وجودی است؛ یعنی وجود معلول مشروط بر وجود علت است.

۱ تسلسل علل: لغت تسلسل از کلمه «سلسله» به معنای زنجیر آمده است. منظور از «تسلسل علل» سلسله و زنجیره‌ای است از علّت‌ها و معلول‌ها که هر چیزی، خودش معلول یک علّت دیگر باشد.



همان‌طور که می‌بینید، در شکل صفحه قبل، «ت» علّت «ث» و خودش معلول «پ» است و «پ» خودش معلول «ب» است و ... در فلسفه به چنین زنجیره‌ای از علّت‌ها و معلول‌ها می‌گویند «تسلسل علل». اگر به جهان هستی هم نگاه کنیم، می‌بینیم که دقیقاً همین وضعیت برقرار است و در آن، هر چیزی علّت یک چیز و خود آن علّت، معلول چیزی دیگر است. پس به‌طور خلاصه:

در تسلسل علل، قبل هر علّتی، علّت خود آن و بعد از آن، یک معلول می‌آید.

فیلسوفان، ترتیب معلول‌ها بر علّت‌ها را به حلقه‌های زنجیری تشبیه می‌کنند که به‌ترتیب، پشت سر یکدیگر قرار گرفته‌اند و هر کدام، از یک طرف به حلقه قبلی و از طرف دیگر به حلقه بعد مربوط می‌شود.

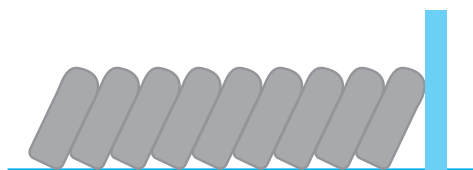
۲ تسلسل علل نامتناهی: آنچه در مورد زنجیره علّت‌ها و معلول‌ها گفتیم، چیزی است که همه فیلسوفان آن را پذیرفته‌اند و مشکلی ندارند و دقیقاً با عالم واقعیت مطابق است. حال مشکل از آنجایی شروع می‌شود که ما هرچقدر در سلسله علّت‌ها به عقب می‌رویم، باز هم می‌بینیم اولین علّتی که پیدا می‌کنیم، باز خودش معلول یک علّت دیگر است و هرچقدر به جلو می‌رویم، می‌بینیم آخرین معلولی که پیدا می‌کنیم، باز هم خودش علّت یک چیز دیگر می‌شود. پس به‌طور خلاصه، انکار این سلسله علّت‌ها و معلول‌ها هیچ‌گاه به جایی ختم نمی‌شود و همیشه پشت هر علّتی، یک علّت دیگر هم هست و بعد از هر معلولی، یک معلول دیگر قرار گرفته است. به این نوع از سلسله علّت‌ها و معلول‌ها که هیچ‌گاه به یک علّت نهایی ختم نشود، می‌گویند تسلسل علل نامتناهی.

۳ بطران تسلسل علل نامتناهی: همان‌طور که دیدیم، می‌شود سلسله علل نامتناهی را فرض و تصور کرد؛ اما نمی‌شود گفت چنین سلسله‌ای واقعاً وجود دارد؛ زیرا اگر زنجیره‌ای از علّت‌ها و معلول‌ها موجود باشد، حتماً سررشته خواهد داشت! چرا؟ با دو مثال این مسئله را بررسی می‌کنیم:

مثال اول: فرض کنید مثل شکل زیر، تعدادی آجر را به‌صورت مایل، روی یک سطح صاف به هم تکیه داده‌ایم.



همان‌طور که می‌بینید، هرچقدر تعداد این آجرها را اضافه کنیم، این آجرها به‌صورت مایل نمی‌ایستند؛ مگر اینکه یک تکیه‌گاه عمود داشته باشیم تا آجرهای دیگر بتوانند با تکیه بر آن، به‌صورت مایل، بایستند. درست مثل شکل زیر:



پس وجود سلسله‌ای از آجرهای تکیه‌داده به هم و ایستاده تنها با وجود تکیه‌گاه عمود ممکن است؛ وگرنه کل آجرها روی زمین خواهند افتاد.



پس در یک کلام، وجود صف و زنجیره از آجرهای تکیه‌داده به هم، تنها با وجود یک ستون و تکیه‌گاه اولی ممکن خواهد شد. سلسله علّت‌ها نیز نمی‌تواند نامتناهی باشد و نمی‌تواند بدون وجود علّتی نخستین که خودش معلول هیچ علّت دیگری نباشد، وجود داشته باشد. بنابراین ستون مثال ما، مانند علّت‌العلل و علّت اولیه است که سایر علّت‌ها به آن تکیه داده‌اند.

مثال دوم: یک صف بیست‌نفره از دانش‌آموزان را تصور کنید که پشت سر هم روی زمین نشسته‌اند. حال به آن‌ها می‌گوییم «بایستید». نفر اول صف می‌گوید «فقط به شرطی می‌ایستد که نفر پشت سر او ایستاده باشد». نفر دوم هم می‌گوید «فقط به شرطی می‌ایستد که نفر پشت سر او ایستاده باشد». و همین‌طور تا نفر بیستم که می‌گوید «فقط به شرطی می‌ایستد که یک نفر پشت سر او باشد و ایستاده هم باشد». خب! به‌نظر شما آیا هیچ‌وقت این صف خواهد ایستاد؟! معلوم است که نه! چون ایستادن هر کدام از این‌ها وابسته به ایستادن یک نفر قبل از آن‌ها است. پس تنها راه این است که ما در انتهای صف، یک نفر داشته باشیم که ایستادن خود را به ایستادن کسی پشت سر خودش مشروط نکرده باشد. حال داستان سلسله علل هم همین است. در جهان ممکنات، هر علّتی فقط وقتی وجود دارد که یک علّت دیگر آن را به‌وجود آورده باشد. اما این سلسله مشروط به هم هیچ‌گاه وجود نخواهد داشت؛ مگر اینکه در انتها یا به عبارتی در ابتدای زنجیره، یک علّتی داشته باشیم که وجودش معلول علّت دیگری نباشد. پس به‌طور خلاصه: